

وضعیت نهاد خانواده در روند توسعه‌یافتگی کشور ترکیه

لیلی بروجردی^۱، محمدرضا ویژه^۲

چکیده

جمهوری مدرن ترکیه پیرو اصلاحات کمی و کیفی با هدف توسعه‌یافتگی اقدام به تغییرات برخی از قوانین در حوزه خانواده نمود، این تغییرات ناشی از پیروی از سیاستهای کشورهای ایالات متحده آمریکا و در بخشی پیروی از سیاست‌های کشورهای سوسیالیستی شوروی است، بگونه‌ای که این روند تحولات و توسعه، خانواده را در معرض عوامل گوناگونی مانند تغییر در ساختار خانواده و تغییر در رابطه متقابل نهاد خانواده با دولت قرار داده‌است، همچنین رابطه بین اعضا خانواده دستخوش تغییراتی شده‌است که ناشی از سیاست‌های تقنینی و سیاسی می‌باشد. عوامل مذکور در فوق ناشی از اصلاحات بنیادین در نحوه حکومت‌داری ترکیه از زمان آتاتورک می‌باشد که هدف آن ارائه تصویر اروپائی از ترکیه است. سکولاریسم و لائسیته مشتقات آن می‌باشد که نقطه عزیمت تأثیرگذاری را در خانواده بوجود آورده‌اند. در این مقاله سعی بر بررسی سیر تحولات از مبانی نظری تا مکانیزم اجرای قوانین در حوزه خانواده در عصر توسعه‌یافتگی ترکیه می‌باشد.

واژگان کلیدی: قوانین خانواده، سیاست‌گذاری، مکانیزم اجرا، تعهدات دولت.

تاریخ پذیرش مقاله: ۱۳۹۴/۰۶/۲۳

تاریخ دریافت مقاله: ۱۳۹۴/۰۲/۲۳

^۱ عضو هیات علمی دانشگاه آزاد اسلامی، رئیس گروه حقوق قضایی پژوهشکده چشم انداز و آینده پژوهی، وکیل پایه یک دادگستری و دانشجوی دکتری حقوق عمومی دانشگاه علامه طباطبائی (نویسنده مسئول) (Email: leylibrjdi@gmail.com)

^۲ استادیار و عضو هیات علمی گروه حقوق و علوم سیاسی دانشگاه علامه طباطبائی

مقدمه

در بررسی‌های صورت گرفته در خصوص نوع و قالب حمایت از نهاد خانواده در کشورهای اروپایی با دو الگوی «اسکاندیناوی» و «مدیترانه‌ای» مواجه هستیم که وجه تفکیک هر یک از این الگوها میزان توجه دولت به نهاد خانواده و محوریت آن در سیاست‌های اتخاذی دولت می‌باشد. در مدل «اسکاندیناوی» سیاست‌های حمایتی فارغ از علاقه‌ها و ارتباط فرد با خانواده تدوین می‌گردد و این در حالی است که در نوع حمایت ملقب به الگوی «مدیترانه‌ای» فرد در قالب عضویت از خانواده از حمایت‌های غیر خانواده محور دولت برخوردار خواهد شد. در میان دو دسته از سیاست‌های حمایتی موصوف کشورهای اروپایی جنوبی اعم از ترکیه، مجارستان، لهستان، قبرس، مال، رومانی و اسلواکی در گروه کشورهای دارای مکانیزم حمایتی خانواده محور و یا همان «مدیترانه‌ای» قرار دارند و کشورهایی مانند دانمارک، فنلاند، استونی، بلغارستان از الگوی «اسکاندیناوی» در حمایت از فرد تبعیت می‌نمایند. بررسی‌های صورت گرفته بر نتایج مداخله بی حد و حصر دولت بر خانواده پس از جنگ جهانی دوم و به عهده گرفتن برخی از کارکردهای خانواده توسط دولت مانند نگهداری و حضانت کودکان با این تصور که دولت می‌تواند جایگزین خانواده گردد، نشان داد که در همه کشورها حتی کشورهای سوسیالیستی که دولت در تمام امور از نقش و رتبه نخست برخوردار است امروزه به این حقیقت پی برده شده است که در صورت فقدان خانواده در هر صورت در بردارنده تالی فاسد برای جامعه خواهد بود. در سال‌های اولیه در اتحادیه جماهیر شوروی تصور می‌کردند که دیگر نیازی به خانواده به مفهوم سنتی آن نیست و دولت می‌تواند با پذیرفتن نقش‌های خانواده خلاء آن را مرتفع نماید لیکن به تدریج عدم صحت این نظریه اثبات گردید و سرانجام قانون ۱۹۲۴ بعد از یک دوره تزلزل و نابسامانی در خانواده در راه تثبیت خانواده گام‌های موثری برداشت و در واقع قانون‌گذار شوروی به این مسئله پی برد که ثبات و استحکام جامعه در گرو استحکام و اقتدار نهاد خانواده می‌باشد.

در راستای توجه به مفهوم خانواده، توجه به زن به عنوان شخص دارای هویت مستقل و نیازمند برخورداری از حمایت‌های مضاعف به لحاظ اینکه اولاً از جمله اقشار آسیب پذیر جامعه در مقابل مردان می‌باشد و ثانیاً امروزه عنایت به مسائل خاص و عام زنان بصورت تعهدات عام الشمول دولت‌ها مورد پذیرش خرد جمعی جامعه بین‌المللی قرار گرفته است و از نتیجه این وفاق عام اعلامیه‌ها، قوانین و پیمان‌نامه‌های متعددی به تصویب رسیده است که در راس آن می‌توان به پیمان نامه بین‌المللی امحای تمامی اشکال تبعیض علیه زنان سازمان ملل متحد (۱۹۷۹) و تاسیس کمیته تخصصی رفع تبعیض علیه زنان به عنوان نهاد ناظر بر رعایت مفاد آن اشاره نمود که دولت‌های عضو این پیمان‌نامه متعهد می‌باشند تا گزارش‌های حاوی نحوه اجرای این سند الزام‌آور به کمیته تسلیم نمایند. لذا هدف از انجام این تحقیق وضعیت نهاد خانواده در روند توسعه یافتگی کشور ترکیه است.

روش تحقیق

روش تحقیق متناسب با موضوع تحقیق روش اسنادی و مطالعه کتابخانه‌ای است. پژوهش اسنادی، پژوهش مبتنی بر شواهد برگرفته از مطالعه اسناد؛ مانند آرشیوها یا آمار رسمی است. منظور از مطالعات کتابخانه‌ای، مطالعاتی است که موضوعات مورد مطالعه در اختیار و دسترس محقق قرار نداشته و غالباً مربوط به گذشته‌ای دور یا نزدیک می‌گردد و محقق از اسناد و مدارک زمان‌های پیشین که در کتابخانه‌ها موجود می‌باشند، استفاده می‌کند. به‌عنوان مثال، تحقیق در زمینه طبقات اجتماعی عصر صفویه یا تحقیق درباره سهم اقشار مختلف اجتماعی در انقلاب مشروطیت ایران. در این روش منابع اصلی مورد استفاده، کتب و مدارک منثور و منظومی است که از دوره‌های گذشته به جای مانده و جدیداً از اسلاید، فیلم و سایر تکنولوژی‌های ضبط وقایع تاریخی نیز در پژوهش اسنادی استفاده می‌شود. اسنادی که در پژوهش اسنادی مورد استفاده قرار می‌گیرند عمدتاً شامل اطلاعات و نتایجی است که توسط نویسندگان و پژوهش‌گران قبلی در حوزه مورد بحث فراهم گردیده‌اند. اما آنچه معروف است اینکه؛ پژوهش اسنادی اعم از اسنادی و تاریخی است؛ به‌همین جهت در این نوشتار تحقیق کتابخانه‌ای به‌عنوان یکی از اقسام تحقیق اسنادی مورد بررسی قرار خواهد گرفت (ساروخانی، ۱۳۸۳، ص ۲۵۶).

مروری بر تحولات ترکیه با تاکید بر مسئله حمایت از خانواده^۱

در اواخر قرن ۱۹ و اوایل قرن بیستم میلادی سیاست عدم مداخله توسط بسیاری از مراجع قضایی در ایالات متحده آمریکا دنبال می شد و در مقابل گروهی از حقوقدانان آن زمان تحت عنوان «حقوقدانان رئالیست» نقش بسزایی را در بی اعتبار سازی سیاست-های موجد عدم مداخله دولت ایفاء نمودند که منشاء پیدایش «سیاست های حمایتی مداخله جویانه» گردید که فی الواقع حامیان این اندیشه ضرورت دخالت دولت را از جهت حمایت از افراد در معرض آسیب موجه می پنداشتند.^۲ به عنوان نمونه در صورت بروز تضعیف کارکردهای حیاتی خانواده این نهاد اجتماعی می تواند نه تنها به عنوان مرکز پشتیبانی و حمایت از اعضای آن عملکرد مناسبی نخواهد داشت، بلکه خود تبدیل به یک کانون فشار و تعدی می گردد.^۳

بررسی های صورت گرفته بر نتایج مداخله بی حد و حصر دولت بر خانواده پس از جنگ جهانی دوم و به عهده گرفتن برخی از کارکردهای خانواده توسط دولت مانند نگهداری و حضانت کودکان با این تصور که دولت می تواند جایگزین خانواده گردد، نشان داد که در همه کشورها حتی کشورهای سوسیالیستی که دولت در تمام امور از نقش و رتبه نخست برخوردار است امروزه به این حقیقت پی برده شده است که در صورت فقدان خانواده در هر صورت در بردارنده تالی فاسد برای جامعه خواهد بود. در سال-های اولیه در اتحادیه جماهیر شوروی تصور می کردند که دیگر نیازی به خانواده به مفهوم سنتی آن نیست و دولت می تواند با پذیرفتن نقش های خانواده خلاء آن را مرتفع نماید لیکن به تدریج عدم صحت این نظریه اثبات گردید و سرانجام قانون ۱۹۲۴ بعد از یک دوره تزلزل و نابسامانی در خانواده در راه تثبیت خانواده گام های موثری برداشت و در واقع قانون گذار شوروی به این مسئله پی برد که ثبات و استحکام جامعه در گرو استحکام و اقتدار نهاد خانواده می باشد.^۴

جمهوری مدرن ترکیه در سال ۱۹۲۳ از خاکستر امپراطوری عثمانی تاسیس شد و در جمهوری جدید ترکیه یک سری از اصلاحات اعم از توسعه کمی و کیفی حقوق زنان در سیر تحولات سیاسی تحقق یافت. در سال ۱۹۴۶، ترکیه حکومت چند حزبی را تجربه کرد و از آن پس، پیدایش یک دموکراسی کارآمد با انتخابات آزاد و عادلانه در آن کشور آغاز شد و با بررسی تاریخ سیاسی ترکیه می توان به ظهور یک مدل از سکولار اسلامی مدرن در صد سال اخیر این کشور پی برد.

از سوی دیگر با عضویت ترکیه در G-20 و ناتو و ناتو و ن امزدی آن کشور به عضویت اتحادیه اروپا و قرار گرفتن در رتبه ۱۶ کشور نخست به لحاظ رشد اقتصادی، نفوذ ترکیه در سطوح منطقه ای و بین المللی به طور پیوسته افزایش یافته است و این در حالی است که با تصویب تدریجی اصلاحات قانونی مهم در این کشور شکاف بین نیروهای مدرنیته و سنتی بویژه در حوزه برابری جنسیتی عمیق تر گردید اما دولت جمهوری ترکیه در سالهای اخیر همواره تلاش می کند تا تنش میان مطالبات دموکراتیک خواهانه را تعدیل نماید.

۱. جهت مطالعه بیشتر ر.ک به:

Meltem Müftüleri-Baç, Policy Department C: Citizens' Rights and Constitutional Affairs: Gender Equality, European Parliament, Directorate General for Internal Policies, available at: <http://www.europarl.europa.eu/studies>

۲. Susan B. Boyd and Helen Rhoades (edited), Law and families, Ashgate, 2006, pp- 3-7.

۳. جهت مطالعه بیشتر ر.ک به:

Martha Minow, Beyond State Intervention in the Family: For Baby Jane Doe, University of Michigan Journal of Law Reform, 1985, pp. 948-50.

۴. سید حسین صفایی، اسد الله امامی، مختصر حقوق خانواده، نشر میزان، چاپ سی و ششم، ۱۳۹۲، صص. ۱۶-۱۷.

آتاتورک به همراه عصمت اینونو (جانشین اتاتورک و دومین رئیس جمهور ترکیه) اصلاحات بنیادی را در راستای ارائه تصویری اروپایی از ترکیه با حدت و شدت بسیار و از طریق سرکوبی و گاه کشتار مخالفان خود که عمدتاً ترک‌های مذهبی و سنت‌گرای اناتول بودند آغاز نمود و این تحولات دامنه گسترده‌ای داشت. جدایی دین از سیاست یا همان لائسیته^۱، تغییر تقویم سنتی به میلادی، منع حجاب زنان در مجامع رسمی و دولتی و اجباری کردن پوشش غربی برای مردان، حذف قوانین شریعت از قوانین کشور در نهایت شناسایی روش و مکتب سیاسی و فکری وی را تحت عنوان «کمالیسم» رقم زد.^۲ از سال ۲۰۰۲ و پس از به روی کار آمدن حزب صریح و محافظه کار نخست وزیر، رجب طیب اردوغان، به اضطراب عمومی در مورد هویت مسلمان و نقش سیاسی منطقه‌ای افزوده شد که این امر تنش میان حقوق دموکراتیک، سکولاریسم و مذهب را در بر داشت لیکن تحت رهبری اردوغان، حزب عدالت و توسعه طول عمر بی سابقه‌ای در سیاست‌های دموکراتیک حفظ و پی در پی برنده نه انتخابات شهرداری و ملی گردید و خواسته طیف وسیعی از گروه‌های سیاسی؛ اسلام‌یون تا گروه‌های آزادی خواه سکولار و قدرتمندان چرخه اقتصادی تا جوانان تحصیل کرده سطح متوسط طبقاتی شهرها را در سیطره کنترل خود قرار داد.^۳

در بررسی‌های صورت گرفته در خصوص نوع و قالب حمایت از نهاد خانواده در کشورهای اروپایی با دو الگوی «اسکاندیناوی» و «مدیترانه‌ای» مواجه هستیم که وجه تفکیک هر یک از این الگوها میزان توجه دولت به نهاد خانواده و محوریت آن در سیاست‌های اتخاذی دولت می‌باشد. در مدل «اسکاندیناوی» سیاست‌های حمایتی فارغ از علاقه‌ها و ارتباط فرد با خانواده تدوین می‌گردد و این در حالی است که در نوع حمایت ملقب به الگوی «مدیترانه‌ای» فرد در قالب عضویت از خانواده از حمایت‌های غیر خانواده محور دولت برخوردار خواهد شد.^۴ در میان دو دسته از سیاست‌های حمایتی موصوف کشورهای اروپایی جنوبی اعم از ترکیه، مجارستان، لهستان، قبرس، مال، رومانی و اسلواکی در گروه کشورهای دارای مکانیزم حمایتی خانواده محور و یا همان «مدیترانه‌ای» قرار دارند و کشورهایی مانند دانمارک، فنلاند، استونی، بلغارستان از الگوی «اسکاندیناوی» در حمایت از فرد تبعیت می‌نمایند.

در توصیف ساختار و مکانیزم‌های حمایت دولت از «خانواده» در ترکیه می‌توان سه شاخصه مهم را نام برد: ۱- ارائه خدمات حمایت اجتماعی توسط نهادهای وابسته به دولت مرکزی مانند سازمان‌های تامین اجتماعی، ۲- توجه ویژه به کارکردهای اجتماعی

۱. در بحث توسعه سیاسی غالباً سخن از دو اصطلاح سکولاریسم و لائسیته و مشتقات آنها به میان می‌آید و دیده شده است که این دو اصطلاح گاهی بجای یکدیگر و در محل نامناسب و حتی با معنایی نادرست بکار می‌روند:

- سکولاریسم به دنبال غیر قدسی ساختن همه پدیده‌های اجتماعی حتی دین نیز می‌باشد و با تأکید بر خرد خودبنیاد در مقابل خرد وحی بنیاد معتقد است که هر پدیده اجتماعی جز با خرد خود بنیاد فهم و درک نمی‌شود از اینرو تمام پدیده‌های اجتماعی این جهان عرفی و غیر مقدس می‌باشند و درباره دین نیز بر این باور است که آنچه نزد ماست معرفت و شناخت ما از دین است و نه خود دین و از اینرو این شناخت که دینداری دین باوران بر آن بنا می‌گردد نیز کاملاً غیر قدسی است. در حالیکه لائسیته به هیچ وجه چنین ادعایی ندارد.

- لائسیته قطعاً به دنبال جداسازی نهاد دین از سیاست و عدم دخالت متقابل این دو نهاد در امور یکدیگر می‌باشد. در حالیکه سکولاریسم حتی اگر به این نگرش تمایل داشته باشد اما در منطبق آن به هیچ وجه چنین الزامی وجود ندارد و در صورت نگرش عرفی به دین از سوی نهادهای دینی (شبهه حوزه‌های روشنفکری دینی) حتی به تعامل با این حوزه بمنظور افزایش کارآمدی نظام مدیریت اجتماعی خواهد پرداخت. (جهت مطالعه بیشتر ر.ک به:

Gulce Tarhan, Roots of the Headscarf Debate: Laicism and Secularism in France and Turkey, Journal of Political Inquiry, No.4, 2011)

۲. داود رضی، رابطه دین، دولت و توسعه سیاسی، مطالعه تاریخی ایران و ترکیه، مجله ادبیات و علوم انسانی دانشگاه فردوسی مشهد، بهار و تابستان ۱۳۸۸، صص ۱۵۴-۱۵۵.

۳. منظور از «اسلامیون» در اینجا سازمان‌هایی است با شناسه اسلامی فعالیت می‌نمودند و از اشخاص حقیقی مسلمان متمایز است.

4. First European Quality of Life Survey: Families, work and social networks, European Foundation for the Improvement of Living and Working Conditions, Office for Official Publications of the European Communities, 2005, P. 77.

«خانواده»،^۳ دیگر نهادهای غیر دولتی و سمن‌ها در قالب موسسات خیریه و امداد رسان فعالیت می‌کنند. در جامعه ترکیه نقش خانواده‌ها در حمایت از اعضای خود در مقابل خطرات اجتماعی از اهمیت قابل توجهی برخوردار است و این کارکرد خانواده مورد حمایت وسیع دولت واقع می‌گردد به نحوی که دولت از روش‌های ترغیبی برای ازدواج زنان و دختران بهره می‌گیرد تا از میزان وابستگی آنان را به خدمات دولتی بکاهد زیرا در کشور ترکیه دختران و زنان تحت تکفل پدران و همسران خود قرار دارند و در غیر اینصورت به دلیل پایین بودن استقلال اقتصادی زنان در این کشور تحت حمایت دولت قرار می‌گیرند.

سیر تحولات جایگاه «زنان» در نظم سیاسی و نظام حقوقی ترکیه با تاکید بر نهاد خانواده

توجه به زن به عنوان شخص دارای هویت مستقل و نیازمند برخورداری از حمایت‌های مضاعف به لحاظ اینکه اولاً از جمله اقشار آسیب پذیر جامعه در مقابل مردان می‌باشد و ثانیاً امروزه عنایت به مسائل خاص و عام زنان بصورت تعهدات عام الشمول دولت‌ها مورد پذیرش خرد جمعی جامعه بین‌المللی قرار گرفته است و از نتیجه این وفاق عام اعلامیه‌ها، قوانین و پیمان‌نامه‌های متعددی به تصویب رسیده است که در راس آن می‌توان به پیمان نامه بین‌المللی امحای تمامی اشکال تبعیض علیه زنان سازمان ملل متحد (۱۹۷۹) و تاسیس کمیته تخصصی رفع تبعیض علیه زنان به عنوان نهاد ناظر بر رعایت مفاد آن اشاره نمود که دولت‌های عضو این پیمان‌نامه متعهد می‌باشند تا گزارش‌های حاوی نحوه اجرای این سند الزام آور به کمیته تسلیم نمایند.

در توصیف عملکرد دولت ترکیه می‌بایست ابتدا اذعان نمود این دولت در دهه اخیر در زمینه حقوق لیبرالیستی زنان محدودیت‌هایی را از قبیل تهدید به ممنوعیت سقط جنین، کاهش احداث پناه‌گاه‌هایی برای زنان در معرض خشونت‌های خانگی و کاهش بودجه وزارت زنان اعمال نمود و به بیان دیگر برخلاف سیاست‌های متداول در کشورهای اسکاندیناوی که بر اساس آن با تقویت رویکردهای «رفاه محور» در خصوص نهاد خانواده به میزان کمی و کیفی نقش زنان در عرصه فعالیت‌های اجتماعی و اقتصادی افزوده می‌شود و از این سیاست‌ها تحت عنوان «سیاست‌های فعال» در حوزه خانواده یاد می‌گردد، در ترکیه در نتیجه توسل به سیاست‌های انفعالی در حوزه خانواده، نقش‌های جنسیتی رنگ و لعاب بیشتری یافته است^۱ که البته عدم تطابق این سیاست‌های تبعیض جنسیتی با روند توسعه اقتصادی به معنای کمی آن در ترکیه منجر گردیده تا به آمار طلاق در آن کشور افزوده شود. زیرا از یک سو چهارچوب‌های برخاسته از سنت‌ها افراد جامعه را به سوی خود فرا می‌خواند و از سوی دیگر چرخ‌های پرشتاب توسعه تمامی افراد را فارغ از جنسیت هدف قرار می‌دهد.

ایدئولوژی اصلی حزب عدالت و توسعه دولت را به حفاظت از خانواده و ارزش‌های سنتی، به ویژه از کاهش نقش زنان در بیرون از خانه و تقویت نقش آنان به مادران، همسران، و دختران هدایت کرد و اتخاذ این سیاست‌ها منجر شد تا رقم زنان شاغل در ترکیه علیرغم وقوع رشد اقتصادی به ۹ درصد (۱۸ تا ۳۵ سال)^۲ برسد که این امر منجر شد تا رتبه این کشور در میان اعضای سازمان توسعه و همکاری‌های اقتصادی در آن سال‌ها (۲۰۱۰ م.) به پایین‌ترین حد خود تنزل یابد.^۳ همچنین کارنامه ترکیه در میزان مشارکت سیاسی زنان درخشان نبود و زنان فقط ۱۴٫۴ درصد از کرسی‌های پارلمان آن کشور را به خود اختصاص دادند که این میزان در قیاس با حضور مردان ۴ درصد تخمین زده شد.^۴ با به کار آمدن حزب عدالت و توسعه در ترکیه، آن کشور در ردیف نامزدهای عضویت در اتحادیه اروپا قرار گرفت. اما حزب محافظه کار و در عین حال سکولار عدالت و توسعه ترکیه با دو چالش جدی در ابتدای ظهور خود مواجه گردید: مشروعیت یافتن در داخل کشور و در سطوح فرامرزی (در میان اعضای اتحادیه اروپا و

1. Tuğba Bozçağa, Women and the Welfare State; Regime of Turkey, Turkish Policy Quarterly, Vol. 11, No. 4, 2012, p. 180.

2. UNDP, "Women's Empowerment, and Gender Equality." Available at tr.undp.org

3. Hurriyet Daily News, "Inequalities are deep and women suffer the most." (July 22, 2010).

4. Inter-Parliamentary Union, "Women in National Parliaments", Available at ipu.org

ایالات متحده آمریکا) و و فاوداری به مذهب که برای برون رفت از این بحران جایگاه خود را در قالب کشور حامی سکولار محافظه کار تثبیت نمود.

براساس ماده ۸ قانون مدنی ترکیه: «هر شخص از حقوق مدنی استفاده می کند. بنابراین هر کس در حدود قانون به لحاظ داشتن اهلیت در حقوق و تکالیف مساوی است». فلذا ماده مذکور قائل به تفاوتی میان زن و مرد نبوده و استفاده از حقوق مدنی را حق همه افراد جامعه دانسته است. صلاحیت استفاده از حقوق و تکالیف نیز مشمول همین حکم است.

داشتن رشد، شرط اصلی صلاحیت استفاده از حقوق است. (ماده ۱۰ م. و کسی رشید است که ۱۸ سال داشته باشد و یا ازدواج نماید. (ماده ۱۱ م.)). بنابراین ملاحظه می شود که سن رشد در زن و مرد برابر است.

بر خلاف قوانین ایران که فرزند دختر بدون اذن پدر یا پدر بزرگ نمی تواند ازدواج نماید و رضایت مادر و دیگران تأثیری در صحت ازدواج ندارد. اما در حقوق ترکیه رضایت مادر نیز برای تحقق نکاح مؤثر است و این خود حاکی از توجه قانون گذار به زن در مقام مادر و حفظ جایگاه و شان برابر وی با پدر در مقابل فرزند می باشد.

بعنوان نمونه مواد قانون مدنی ترکیه که ناظر بر ریاست مرد بر خانواده بود، نسخ شد. آیس گوروکک* یکی از اعضای گروه چپ دموکرات ترکیه که تغییرات قوانین ترکیه و امحای قواعد تبعیضی به نفع زنان را گامی مؤثر در تحقق دموکراسی تلقی می نمود بر این نظر بود که با نبود برابری در خانواده های ترکیه دموکراسی در جامعه برقرار نخواهد شد.^۱

علاوه بر آن زمینه ارتقاء توانمندی زنان امکان مشارکت آنان در تصمیم گیری های مرتبط با حوزه مسائل خانواده و زنان افزایش یافت و در راستای ایجاد برابر میان زن و مرد و رفع تبعیض های ناروا نهادی تحت عنوان «کمیتة فرصت های برابر برای زنان و مردان» طی مصوبه شورای عالی ملی تاسیس گردید. در خصوص ایجاد فرصت های برابر برای زنان و مردان با هدف تقویت نهاد خانواده به ضرورت طراحی برنامه های رشد دهنده مشارکت فعال زنان در عرصه های اشتغال، تصمیم گیری، امحای خشونت و تداوم سیاست های ارتقاء آموزش و سلامت آنان تاکید گردید.^۲

به بیان دیگر تحولات صورت گرفته اخیر در حوزه قانون گذاری در ترکیه ناشی از روند تغییرات در بینش سیاسی آن کشور که متأثر از رغبت شدید به عضویت در اتحادیه اروپا می باشد، لایه های دیگر جامعه ترکیه مانند نهاد خانواده را همواره تحت تاثیر این نوآوری ها قرار داده است.

همچنین طی دیگر اصلاحات صورت گرفته در قانون اساسی ترکیه در سال ۲۰۰۴ اصل ۹۰ به رجحان و برتری موازین مندرج در پیمان نامه بین المللی امحای تمامی اشکال تبعیض علیه زنان در موارد اختلاف میان قوانین داخلی و بین المللی به عنوان قاعده حل تعارض تصریح شد. شایان ذکر است که با وجود تلاش های جامعه مدنی در زمان اصلاح قانون اساسی ترکیه در سال ۲۰۱۰ به گنجاندن مقررات حاوی تدابیر قانونی اعمال تبعیض مثبت به نفع زنان، این امر تحقق نیافت و به مقررات پیشین آن کشور در حمایت از زنان بسنده شد.^۳

*Ayse Gurocak

^۱. Zuhale Yefilyurt Gündüz, The Women's Movement in Turkey: From Tanzimat towards European Union Membership, Perceptions, Autumn 2004, pp.115-120.

^۲. Ibid

^۳. Meltem Müftüler-Baç, Policy Department C: Citizens' Rights and Constitutional Affairs: Gender Equality, European Parliament, Directorate General for Internal Policies, 2012, Brussels, European Parliament, 2012, P. 5.

البته با امضای پروتکل اختیاری منضم به پیمان نامه بین المللی موصوف در سال ۲۰۰۸ توسط دولت ترکیه عملاً زمینه طرح شکایت فردی توسط اشخاص در معرض نقض مفاد این پیمان نامه به کمیته تخصصی ناظر بر رعایت مفاد آن در سازمان ملل متحد فراهم گردید و همچنین می توان به پذیرفتن اعلامیه بیجینگ* در چهارمین کنفرانس جهانی زنان به عنوان اقدام سابق ترکیه در راستای حمایت از زنان اشاره نمود.

پیرو اقدامات دولت ترکیه در خصوص افزایش زمینه های برابری جنسیتی در فوریه سال ۲۰۰۹ میلادی قانون شماره ۵۸۴۰ جهت اعمال آن در «کمیسیون فرصت های برابر»، متشکل از اعضای احزاب پارلمان اعظم ملی آن کشور تاسیس گردید.

با مروری اجمالی بر روند تحولات قانونی ترکیه در حوزه زنان این حقیقت را در خواهیم یافت که به رغم موانع موصوف با تلاش جنبش زنان فمینیست ترکیه برخی از قوانین تبعیض آمیز در قانون مدنی ترکیه منسوخ گردید و در سال ۱۹۸۸ و در اثر تداوم کوشش های فعالان مدنی در ترکیه دولت ابتدا دستور کاری تحت عنوان «حمایت از خانواده» را تدوین شد و پس از آن قانون حمایت از خانواده با هدف تامین حداکثری حقوق برابر در خانواده و امحای خشونت خانگی تصویب گردید.^۱

طبق نتایج ناشی از مطالعات آسیب شناسی خانواده ها در ترکیه شیوع گسترده خشونت های خانگی علیه زنان یکی از عمده ترین عوامل تزلزل خانواده ها برشمرده می شود که انحلال کانون خانواده ها و یا طلاق خاموش را در پی خواهد داشت. به واقع در کشور ترکیه مسئله مبارزه با «خشونت علیه زنان» با قدرت گرفتن جنبش زنان در دهه ۸۰ در دستور کار ملی قرار گرفت و اقدامات دولتی، در این زمینه صورت پذیرفت. در همین راستا در سال ۱۹۹۰ بنیادی تحت عنوان «جان پناه بام ارغوانی» تاسیس شد. متعاقباً در سال ۱۹۹۱ نیز بنیاد همبستگی زنان افتتاح گردید که این بنیاد اولین خانه امن مستقل خود را برای زنان، در سال ۱۹۹۳ بنا نمود. در سال ۱۹۹۴ «بانک مشاوره و اطلاع رسانی» توسط اداره کل وضعیت و مسائل زنان، به منظور ارائه مشاوره و راهنمایی برای حمایت از زنان در برابر خشونت ایجاد گردید و اقداماتی به منظور حمایت از زنان در برابر خشونت و جرم انگاری رفتارهای خشونت آمیز علیه اتخاذ شد.^۲ اگرچه در کشور ترکیه قوانین علیه خشونت خانگی با فشار فعالان جنبش زنان به تصویب رسیده است، با این حال به نظر می رسد، دولت و شهرداری نیز در این زمینه مشارکت داشته و برای ایجاد خانه های امن و بهبود اوضاع تلاش می کنند.^۳

در ژانویه ۱۹۹۸ قانون جدیدی، تحت عنوان «قانون حمایت از خانواده» در پارلمان ترکیه تصویب شد، که مصوبات آن متضمن قوانین حمایت از زنان در معرض خشونت خانگی می باشد. بر اساس قانون جدید، هر عضو یک خانواده در معرض خشونت خانگی می تواند در دادگاه برای آنچه که به عنوان یک خشونت شناخته می شود، علیه مرتکبین آن طرح شکایت نماید. بر اساس این قانون نه تنها خود زن، بلکه هر شخص ثالثی به طور مستقیم، بدون نیاز به مراجعه به پلیس و یا پزشک قانونی می تواند برای اجرای سریع

* Beijing Declaration

۱. از جمله موارد برجسته در قانون یاد شده می توان به حمایت از زنان مجرد در قبال خشونت های خانگی اشاره نمود که با تدابیر اتخاذی و توصیه «کمیسیون فرصت های برابر برای زنان و مردان» در قانون حمایت از خانواده و امحای خشونت علیه زنان گنجانده شد.

۲. از جمله اقدامات ترکیه در جهت حمایت از قربانیان خشونت، تاسیس سازمانی با عنوان «سازمان خدمات اجتماعی و حمایت از زنان و کودکان بی پناه» است که زیر نظر یک وزیر مشاور فعالیت می کند، و دارای شش خانه امن در شهرهای آنکارا، ازمیر، بورسا، اسکی شهر، آنتالیا و استانبول است. همچنین شهرداری های ترکیه که به عنوان مهمترین بخش از حکومت های محلی این کشور عمل می کنند، برای رفع معضل اجتماعی خشونت های خانگی در سال های اخیر، برنامه ها و اقدامات حمایتی متعددی را آغاز کرده اند.

همچنین طبق اصلاحات صورت گرفته در قانون مجازات ترکیه در سال ۲۰۰۵ مواد ۵ و ۱۲۲ آن قانون مصرحاً به عدم تبعیض میان افراد به لحاظ جنسیت تاکید گردیده است.

حکم علیه مرتکبین خشونت اقدام کرده و به دادگاه مراجعه کند. علاوه بر این، محدود کردن دسترسی شوهر خشونت گرا به خانه و محل کار همسر، به جای اعمال مجازات شدیدتر، مانند حکم زندان مدنظر قرار گرفته است.^۱

علیرغم اتخاذ تدابیر قانونی ترکیه در پیشگیری از اعمال رفتارهای خشونت آمیز علیه زنان دیوان اروپایی حقوق بشر دولت ترکیه را به دلیل نقض تعهدات مربوط به حمایت از زنان در مقابل خشونت‌های خانگی محکوم نمود. شکایت مطروحه بر اساس ادعای زن تبعه ترک مبنی بر عدم حمایت دولت از وی در مقابل خشونت‌های وارده از سوی خانواده همسرش علیه وی و مادر او صورت گرفته بود.^۲

از نقطه نظر فعالان این عرصه یکی از شاخص‌های اصلی تحولات مربوط به جایگاه زنان در سیاست‌های حمایتی دولت ترکیه از خانواده در سال ۲۰۱۱ رخ داد و آن تغییر نام وزارت «زنان و خانواده» به وزارت «خانواده و سیاست‌های اجتماعی» بود که این تغییر از دیدگاه بسیاری از اعضای جامعه مدنی ترکیه حاکی از تنزل جایگاه زن به عنوان یک شخص حقیقی مستقل و هویت یافتن او در چهارچوب نظام خانواده تلقی گردید.^۳ لیکن در حمایت از این تحول اردوغان وزارت «خانواده و سیاست‌های اجتماعی» را به عنوان یکی از بزرگترین دستاوردهای دولت در زمینه تحکیم نهاد خانواده و حفظ آن در مواجهه با بسترهای فساد به جامعه ترکیه معرفی نمود.^۴

فرآیند تحولات حقوقی مربوط به خانواده در ترکیه

شایان توجه است که در دو سده گذشته تفکر نوگرایی (مدرنیته شدن) در ترکیه به تبع ظهور این گرایش در کشورهای اروپایی ایجاد شده و کلیه اقشار جامعه آن کشور همواره سعی داشته تمام جوانب زندگی خود را تحت شمول این تفکر قرار دهد. همزمان با به قدرت رسیدن جمهوری ترکیه در سال ۱۹۲۳ نوگرایی به عنوان یک اصل راهنما در تدابیر توسعه مدار دولت معرفی و به سرعت نهادینه گردید. این تلاش‌ها در راستای رسیدن به نوگرایی در قالبی اصلاح یافته و با هدف عضویت ترکیه در اتحادیه اروپا ادامه یافت و توابع و نتایج بینش نوگرایانه به عنوان یک دکترین عمومی در کالبد سیاست‌های آن کشور جان گرفت و تمامی حوزه‌های حیات اجتماعی ملت ترکیه را اعم از آداب و سنن، آموزش و پرورش، واحدهای تدافعی و نظامی ملی، ساختار خانواده‌ها و نظام جمعیتی تحت تاثیر خود قرار داد که این نگرش نوگرایانه در طول مسیر تداوم و رشد خود با فرهنگ عمومی و پیشین ترکیه بویژه در مناطق روستایی و جوامع سنت‌گرا در تقابل و منازعه قرار می‌گرفت.^۵

یکی از منابع اساسی حقوق هر کشور، قوانین موضوعه آن کشور می‌باشد. چرا که بسیاری از حقوق اشخاص در قوانین کشورها تصریح و تعیین می‌گردد و از طریق مراجعه به قوانین است که می‌توان میزان حقوق اشخاص را تشخیص داد. در میان قوانین موجود هر کشور نیز دو قانون یعنی قانون اساسی و قانون مدنی نقش فوق‌العاده‌ای را ایفا می‌کند که بر اساس این ضرورت در این جستار به این قوانین پرداخته خواهد شد.

مروری بر قانون اساسی ترکیه و تغییرات آن

در قانون اساسی ۱۹۲۴ ترکیه صراحتاً به تحریم آموزش رایگان و اجباری در دوره ابتدایی برای مردان و زنان (اصل ۳۷) اشاره شده بود و علاوه بر آن زنان و مردان از حقوق مساوی در مشارکت‌های سیاسی (حق بر رای دادن و انتخاب شدن) برخوردار نبودند (اصول ۱۰ و ۱۱). همچنین برابری زنان و مردان در مقابل قانون فقط بصورت اصل کلی و بدون اشاره صریح در قانون اساسی ترکیه

^۱ . Mehmet Erdem, "struggling With Domestic Violence: The Turkish Model", International Journal of Humanities and Social Science, Vol. 2 No. 24 [Special Issue – December 2012], pp. 186-202.

^۲ . ECHR 33401/02,2009, Opuz vs. Turkey.

^۳ . Human Rights Watch, "Turkey: Backwards Step for Human Rights." (June 10, 2011).

^۴ . Gurses, Dila. "President Erdogan and the Gender Repercussions of Political Islam", Open Democracy (Aug 20, 2014).

^۵ . Serap Kavas and Arland Thornton, "Adjustment and Hybridity in Turkish Family Change: Perspectives from Developmental Idealism", Journal of Family History, Vol. 38, 2013, pp. 223- 226.

در آن زمان گنجانده شده بود (اصل ۶۹). فی الواقع اوج نابرابری انسان‌ها از حیث جنسیت در دیگر متون قانونی ترکیه مانند قانون مدنی ۱۹۲۶ که با تاثیر از قانون مدنی سوئیس تنظیم شده بود و قانون مجازات ترکیه مصوب همان سال که متأثر از قانون مجازات ایتالیا بود، می‌توان مشاهده نمود که هر دوی این قوانین به نحوی منعکس کننده ایدئولوژی اروپایی نظام خانواده در قرن ۱۹ بود که بر اساس آن مرد در خانواده دارای نقش صرفاً نان آور و زن بعنوان خانه‌دار تلقی می‌گردید و نهادهای قانون‌گذار در آن دوره زمانی از این ایدئولوژی تبعیت محض می‌کردند. این دیدگاه در سال‌های پس از جنگ جهانی دوم نیز غالب بود لیکن پس از آن الگوی سنتی «خانواده نان آور» با تحولاتی از نوع موج مشروطه خواهی اروپایی مواجه شد و پس از آن در سیاست‌های کلی قانونی کشورهای اروپایی می‌توان به ظهور الگوی نوین «خانواده مقتدر» پی برد.^۱ در قانون بنیادین آلمان (۱۹۴۹)* مشاهده می‌کنیم که به تعهد دولت به حفاظت از ازدواج و خانواده، و به طور خاص مادران اشاره شده و در قانون اساسی ایتالیا به نحو مصرح الزام دولت به حمایت از خانواده تحت عنوان «دستمزد خانواده» (اصل ۳۶، بند ۱) پیش بینی گردیده است.

نخستین قانون اساسی ترکیه پس از جنگ جهانی دوم نیز در سال ۱۹۶۱ با تاثیر پذیری از تحولات قانونی در اروپا و بویژه «قانون بنیادین آلمان»، در اصل ۳۵ خود ضمن تصریح به نهاد خانواده به عنوان اصلی ترین واحد نظام اجتماعی ترکیه به ضرورت حمایت دولت از مادران و کودکان تاکید داشت و بر اساس اصل ۴۳ آن قانون زنان از قرار گرفتن در داخل شغل‌های متعارض با جنسیت آنان باهدف رکن حافظ نهاد خانواده در مقام مادر و همسر مصون نگاه داشته شدند.^۲

دیگر نسخه اصلاح یافته قانون اساسی ترکیه (۱۹۸۲) تحت تاثیر تحولات اروپا بارها در سال‌های ۲۰۰۱، ۲۰۰۴ و ۲۰۱۰ میلادی نیز در معرض اصلاح و بازنگری واقع شد^۳ و پس از این اصلاحات جایگاه زنان در سیاست‌های کلی قانونی آن کشور و در راس آن

^۱ قانون اساسی ایتالیا (۱۹۴۷) و قانون اساسی آلمان (۱۹۴۹).

* The German Fundamental Law

۲. با توجه به بخشنامه وزارت کشور در سال ۲۰۰۹، با توجه به موضوع برابری در استخدام و جذب نیرو هیچ تخطی با مبنای جنسیتی نباید صورت گیرد مگر اینکه از منظر طبیعت شغل مورد احراز توجیه‌پذیر باشد. همچنین براساس اصل ۵۰ قانون اساسی ترکیه: «هیچ کس را نمی‌توان در کاری که مناسب با سن، جنسیت و توان او نباشد به کار گماشت».

۳. قانون اساسی ترکیه از آغاز تدوین تاکنون، چندین بار رنگ تغییر و اصلاح یافته است که آخرین آن در سپتامبر ۲۰۱۰ اعمال شد. نخستین قانون اساسی ترکیه در سال ۱۸۷۶ همزمان با اواخر امپراتوری عثمانی وضع شد که به دلیل جنگ عثمانی با روسیه تزاری اجرای آن به حالت تعلیق درآمد. در سال ۱۹۰۸ قانون اساسی جدیدی وضع شد که حکومت مجلس، اختیار قانونگذاری به مجلس، به رسمیت شناختن حقوق سیاسی مردم و... از جمله قوانین وضع شده در آن بود، اما به دلیل آغاز جنگ جهانی اول اجرای آن قوانین در کشور امکان پذیر نبود. پس از آن مصطفی کمال پاشا (آتاتورک)، بعد از اعلام موجودیت مستقل جمهوری ترکیه امروزی در سال ۱۹۲۱، قانون اساسی جدید ترکیه را با حضور نمایندگان گروه‌های مردمی از اصناف گوناگون به تصویب رساند. با توجه به اینکه این قانون اساسی تا حدی خلاصه و بیش از چندین ماده نبود، قانون اساسی دیگری در سال ۱۹۲۴ توسط مجلس وضع شد که مهمترین بخش آن بنیانگذاری سیستم لاییک در نظام حقوقی و سیاسی کشور بود. کمیته ملی ترکیه، پس از تشکیل در سال ۱۹۶۱ تصمیم به تغییر قانون اساسی ۱۹۲۴ گرفت و پیش نویس قانون اساسی جدید را تدوین کرد. از مهمترین تغییرات در قانون اساسی ۱۹۶۱ ترکیه، اصل اختیارات ویژه ارتش در اداره سیاسی کشور و نیز اصول تغییرناپذیر در خصوص سیستم لاییک بود. تسلط ارتش بر نظام سیاسی ترکیه سبب کودتای ژنرال‌های ارتش در سال ۱۹۸۰ شد و در نهایت این کودتا منجر به تدوین پیش نویس قانون اساسی جدید در سال ۱۹۸۲ گردید. محدودیت آزادی مطبوعات و رسانه‌ها، افزایش قدرت ارتش، افزایش اختیار دادگاه‌های نظامی و حذف مجلس سنا از تغییرات اعمال شده در قانون اساسی ۱۹۸۲ بود. همه پرس‌پرسی بعدی ترکیه در سال ۱۹۸۷ برای لغو ممنوعیت فعالیت‌های سیاسی که بعد از کودتای ژنرال‌های ارتش در سال ۱۹۸۰ میلادی وضع شده بود، انجام گرفت. همه پرس‌پرسی دیگری نیز در سال ۱۹۸۸ در زمان نخست‌وزیری تورگوت اوزال به منظور انجام انتخابات محلی قبل از موعد قانونی انجام شد. پس از استعفای نجم‌الدین اربکان در سال ۱۹۹۷ و تعطیلی حزب رفاه به دلیل دخالت ارتش در سیاست، رجب طیب اردوغان اقدام به تاسیس حزب اسلامگرای عدالت و توسعه کرد و در سال ۲۰۰۲ توانست بیشترین آراء مجلس را کسب کند. این حزب به دلیل موفقیت‌هایی که در زمینه مهار تورم، رشد اقتصادی، افزایش رفاه و نیز کاهش نرخ بیکاری در این کشور به دست آورد؛ در انتخابات سال ۲۰۰۷ نیز بیشترین آراء را نصیب خود کرد و با استقبال مردمی مواجه شد. این حزب در کاهش نقش ارتش در امور سیاسی ترکیه نقش به‌سزایی

در قانون اساسی بیشتر از همه دچار دگرگونی گردید. وفق اصل ۱۰ قانون اساسی ترکیه تمامی انسان‌ها فارغ از جنسیت از برابری ماهوی و نه صرفاً شکلی برخوردار گردیدند.^۱ مطابق با اصلاحات صورت گرفته در سال ۲۰۰۱ مواد ۴۱ و ۶۶ قانون اساسی ترکیه به برابری جنسیتی میان اعضای «خانواده» تاکید شد و در اصل ۴۱ آن خانواده به عنوان رکن اصلی جامعه شمرده شده است^۲ و در سال ۲۰۱۰ با اصلاح مجدد این قانون به برابری میان زوجین تصریح شد.

از آنجایی که دولت ترکیه رفع تبعیض‌های میان زوجین را به توصیه اتحادیه اروپا به منظور ارتقاء جایگاه خود و عضویت در آن اتحادیه در اولویت اصلاحات تقنینی قرار داده است، در ماده ۱۸۶ قانون مدنی از تعهد برابر زن و شوهر در پشتیبانی مالی و غیر مالی از خانواده سخن به میان رفته است و زوجین به طور برابر نسبت به نگهداری و پرورش فرزندان خود مسئول می‌باشند.^۱ در واقع اینگونه برابری‌ها به نحوی از تحمیل غیر برابر تعهدات بر یکی از زوجین جلوگیری کرده و خود عامل کاهش آن دسته از اختلافات خانوادگی ناشی از تعهدات نابرابر زوجین خواهد بود.

قانون مدنی ترکیه و تحولات مربوط به «خانواده»

با مرور بر سیر تحولات سیاست تقنینی در ترکیه به جرات می‌توان اذعان داشت این کشور در صد سال اخیر شاهد محسوس‌ترین تغییرات اساسی در نظام خانواده‌ها، سیاست‌های جمعیتی و روابط و رفتارهای خانوادگی بوده است که از جمله این تغییرات می‌توان به افزایش سن ازدواج، کاهش باروری، رشد آمار طلاق،^۳ توسعه تساوی در نقش‌های جنسیتی و شیوع استقلال طلبی جوانان از خانواده‌ها نام برد.^۴ در حقیقت برخی از جامعه‌شناسان ترکیه بر این باور می‌باشند که نهادیه شدن نظام ارزشی ناشی از تفکر نوگرایی در تمامی عرصه‌های اجتماعی و فردی کشور ترکیه خود عامل اساسی تغییرات خانواده در آن کشور محسوب می‌شود و از سوی دیگر نظام در نگاه کلان کارگزاران در ترکیه مورد توجه بوده و هیچگاه به فراموشی سپرده نشده است.

با شکل‌گیری جمهوری در ترکیه توسعه آرمان‌گرایانه‌ها از طریق توسل به سازوکارهای متعددی قوام یافت و تمایل به مدرنیته در جامعه ترکیه با رهبری نخبگان آن کشور همواره فزونی می‌یافت و این امر موجب توسعه مراکز آموزشی، نفوذ فرهنگ غربی در

داشته است. حزب عدالت و توسعه پس از به قدرت رسیدن، همواره به دنبال تغییر قانون اساسی بوده است. به این منظور، این حزب در سال ۲۰۰۷، پیش‌نویس قانونی را برای ایجاد تغییرات در قانون اساسی تهیه کرد، اما در کسب حمایت اپوزیسیون ناکام ماند. به دنبال آن این حزب همه‌پرسی دیگری به رغم میل لایبیک‌ها و ملی‌گرایان افراطی در سپتامبر سال ۲۰۱۰ در ترکیه انجام داد که طی آن ۲۶ ماده مهم از قانون اساسی فعلی ترکیه اصلاح شد.

۱. اصل ۱۰ قانون اساسی ترکیه (۲۰۰۴) مقرر می‌دارد: «هر کس بدون توجه به زبان، نژاد، رنگ، جنسیت، اندیشه سیاسی، اعتقاد فلسفی، دین و مذهب و مواردی از این قبیل در مقابل قانون برابرند».

بنده اضافه شده به موجب ماده ۱ قانون ۵۱۷۰ مصوب ۷ می سال ۲۰۰۴ میلادی زنان و مردان از حقوقی برابر برخوردار می‌باشند و دولت موظف به حفظ این برابری با وضع قوانین است

۲. خانواده اساس و بنیان جامعه ترک مبتنی به برابری میان زوجین است. (این اصل به موجب ماده ۱۷ قانون ۴۷۰۹ مصوب ۳/۱۰/۲۰۰۱ اصلاح و عبارت «برابری میان زوجین» به آن اضافه شده است).

۳. با توجه به مطالعات آماری صورت گرفته در ترکیه نرخ خام طلاق و روند افزایش آن در این کشور به شرح ذیل بوده است:

- ۱/۳۵٪ در سال ۲۰۰۱

- ۱/۶۲٪ در سال ۲۰۱۰ و ۲۰۱۱

- ۱/۶۴٪ در سال ۲۰۱۲

جهت مطالعه بیشتر ر.ک به:

Sevim Atila Demir, Attitudes toward Concepts of Marriage and Divorce in Turkey, American International Journal of Contemporary Research, Vol. 3 No. 12; December 2013. Pp. 83-88.

4. *Ibid.*

چرخه آموزش و پرورش و پیدایش گسترده مجاری رسانه‌ای در آن کشور گردید.^۱ بدین لحاظ ورود علمی کارشناسان و متخصصان باعث شد تا معضلات و مسائل حادث از نگرش مدرنیته یا همان نوگرایی در بوته نقد قرار گیرد و از سوی دیگر مورد تعدیل واقع شود.

همانطور که اذعان گردید قانون اساسی ترکیه همواره دستخوش تغییر و اصلاح بود و در تداوم تحولات قانونی در آن کشور «اعمال الگوی غربی در سبک زندگی ترک‌ها» که در امپراطوری عثمانی به عنوان عمده ترین اصلاحات قانونی در حوزه خانواده صورت گرفت. در این قانون مدنی، چند همسری ممنوع شد و حداقل سن برای ازدواج (۱۵ سال برای دختران و ۱۷ سال برای پسران) تعیین گردید.

با عنایت به آنچه در سطور پیشین بیان شد همزمان با آغاز تلاش‌های دولت ترکیه جهت پیوستن به اتحادیه اروپا قانون مدنی و قانون مجازات آن کشور مجدداً دستخوش تغییرات نوینی گردید و از جمله این تغییرات می‌توان به افزایش سن قانونی ازدواج به ۱۸ سال برای دختران و پسران به تبعیت از کنوانسیون بین‌المللی حقوق کودک، حقوق برابر در ارث برای کودکان حاصل از رابطه زوجیت قانونی و غیر از آن و امکان قبول سرپرستی کودکان برای افراد مجرد در آخرین اصلاحات قانون مدنی ترکیه در سال ۲۰۰۲ اشاره نمود. همچنین به موجب آخرین اصلاحات صورت گرفته در قانون مدنی ترکیه در سال ۲۰۰۲ زن از حقوق برابر در تعیین اقامتگاه خانواده خود پس از نکاح و از حق اشتغال بدون نیاز به اخذ رضایت زوج بهره‌مند شد. همچنین در نسخه نوین قانون مدنی ترکیه برابری جنسیتی در ارث مجدداً پذیرفته شد و به موجب آن پدر و مادر از حقوق برابر در حضانت از فرزند برخوردار می‌باشند.

علاوه بر آن بر اساس تغییرات انجام شده در سال ۲۰۰۴ در قانون مجازات ترکیه تجاوز در رابطه زناشویی نیز جرم انگاری گردید. فارغ از تلاش و تکاپوی دولت‌ها در به نظم کشیدن قانونی مناسبات مربوط به خانواده بی‌تردید باید در برابر این حقیقت مسلم سر تعظیم فرود آورد که قواعد حاکم بر خانواده آمیزه‌ای است از اخلاق و حقوق و نویسندگان حقوق همین که به خانواده می‌رسد، فوننی را که از پیش آموخته نارسا می‌بیند و پای استدلالیان را چوبین.^۲ حقوق برای نفوذ در این کانون همیشه با موانع بزرگ روبرو بوده است و حکیمان رخنه دولت در این سرای مردمی (خانواده) را زیانبار و خطرناک شمرده و با جدا ساختن «تدبیر منزل» از «سیاست مدن» مرز قاطع طبیعی میان دولت و خانواده را نمایان ساخته‌اند؛^۳ تجربه نیز نشان داده است که هرگاه دولت‌ها خواسته‌اند وجود خویش را بر خانواده تحمیل کنند، به آن آسیب رسانده‌اند زیرا در خانواده همه چیز نسبی و عرفی و تابع شرایط مادی و معنوی زندگی خاص هر خانواده است و حقوق نمی‌تواند درباره چنین محیطی بطور شایسته تصمیم بگیرد.^۴

زمینه‌های مداخله دولت در خانواده؛ اقدامات ترکیه در بوته نقد و بررسی

بررسی و مذاقه در معاهدات بین‌المللی به عنوان اسناد توافق میان دولت‌ها که نشان دهنده دیدگاه حاکمیت‌ها در خصوص موضوعات مختلف می‌باشند ما را در شناخت بینش حاکم بر جامعه بین‌المللی مساعدت می‌نماید. تاکید اسناد مصوب دولت‌ها

۱. تلاش‌ها جهت تحقق آرمان‌هایی مدرن‌گرایی در زمان تاسیس جمهوری ترکیه در سال ۱۹۲۳ در زمان حکمرانی مصطفی کمال بی‌سابقه بود و پس از آن آتاترک و همراهانش با مشخص قرار دادن غرب به عنوان سمبل نوگرایی خود را متعهد به تحقق این مکتب در قلمرو خود می‌دانستند.

Mango, A. (2004) Ataturk. London: John Murray

۲. ناصر کاتوزیان، گامی بسوی عدالت (مجموعه مقالات)، جلد اول، تهران، نشر میزان، ۱۳۸۷، ص. ۶۸۹-۶۹۰

۳. در متن نخستین پیش نویس رسمی قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران که به دولت موقت تسلیم شد در خصوص «خانواده» چنین آمده است: اصل یازده: «از آنجا که خانواده رکن طبیعی و اساسی اجتماع و کانون رشد و نگاهداری آرمان‌های ملی و اخلاق است، انقلاب ایران ضمن حمایت از سلامت و همبستگی خانوادگی کوشش دارد تا در درون این کانون اخلاق را جانشین حقوق سازد و چهره معنوی و عبادی این پیوند را حفظ کند.

۴. منبع پیشین، همان صفحه.

به مقوله‌هایی مانند ازدواج، انحلال خانواده، حضانت، خشونت خانگی، بهداشت و آموزش و ... مذکور به نوعی بیانگر این حقیقت است که دولت همواره این موارد را مورد توجه خاص قرار داده و همین امر موجبات مداخله دولت را در این زمینه‌ها فراهم نموده است.^۱

تعریف «خانواده»

تعریف خانواده و ارکان آن نخستین مساله‌ای است که میزان تاثیر دخالت دولت در گستره مفهومی آن را می‌توان مورد بررسی قرار داد که این مداخله در مفهوم خانواده برخاسته از سنت‌ها و آداب و رسوم مورد پذیرش جوامع می‌باشد.^۲ در قانون مدنی ترکیه (۲۰۰۲) ازدواج میان «زن» و «مرد» بعنوان یگانه عقد مورد قبول جامعه آن کشور بطور تلویحی و بالصرحه به چشم می‌خورد زیرا بر اساس آن سن ازدواج برای «زن» و «مرد» ۱۷ سال تمام تعیین گردیده است که استعمال واژگان «زن» و «مرد» خود مؤید این ادعا می‌باشد و در آن کشور رابطه زوجیت میان افراد همجنس طبق نص قانون مذموم شمرده می‌شود.

در روند بازنویسی قانون اساسی ترکیه، حزب مخالف BDP خواستار آزاد سازی سیاست‌های ازدواج که شامل ازدواج افراد هم جنس بود بزرگترین حزب در پارلمان، حزب عدالت و توسعه، مخالفت خود را با ازدواج همجنس‌گرایان اعلام نمودند، اگر چه رجب طیب اردوغان، رهبر حزب عدالت و توسعه از حقوق کاملاً برابر برای شهروندان همجنس‌گرایان در سال ۲۰۰۲ پشتیبانی نمود. در پاسخ به مطالبات حزب BDP و همزمان با سلسله جلسات پارلمان در تدوین قانون اساسی جدید مسئله ازدواج هم جنس گرایان مورد بحث و تبادل نظر نمایندگان قرار گرفت.^۳

امروزه طرفداران تئوری ضرورت دخالت دولت در مناسبات مربوط به نهاد خانواده را بر اساس تعهدات دولت به اتخاذ تدابیر حمایتی از حقوق انسانی و حمایت از افراد در معرض آسیب توجیه می‌نمایند.^۴ جامعه بین‌المللی نیز با تبعیت از موازین بین‌المللی دولت‌ها را به تصویب قوانینی در راستای امحای برخی از آداب و رسوم زیانبار مانند امحای ازدواج کودکان، ممنوعیت ازدواج اجباری ترغیب می‌نمایند به نحوی که در عصر کنونی شاهد کاهش تدریجی ازدواج کودکان و محجورین طی اصلاح قوانین کشورها می‌باشیم. در همین راستا کشور ترکیه با اصلاح قانون مدنی سن قانونی ازدواج را ۱۷ سال تمام برای دختران و پسران اعلام نمود. در موارد استثناء قاضی دادگاه صلح در ترکیه می‌تواند با نظر گرفتن شرایط خاص ازدواج شخص ۱۶ سال را طی حکم قضایی تجویز نماید. بارداری شخص فاقد سن قانونی برای ازدواج نمی‌تواند در قلمرو استثنائاتی قرار بگیرد که در اثر آن فرد طی تصمیم دادگاه مجبور به ازدواج گردد و شخص می‌تواند با وجود بارداری خواسته یا ناخواسته از ازدواج با پدر طبیعی جنین خودداری نماید.^۵

1. Am. Soc'y Int'l L, "International Law Pertaining to Families and Children," Benchbook on International Law § III.B (Diane Marie Amann ed., 2014), p. III.B-1.

۲. در تفسیر عمومی شماره ۱۶ ناظر بر ماده ۲۳ میثاق حقوق مدنی و سیاسی تصریح گردیده است که هدف این سند الزام آور ارائه تفسیری موسع از خانواده می‌باشد، تعبیری که حمایت از این نهاد اصلی و اساسی جامعه را به شکلی مطلوب عینیت بخشد و از این حیث دولت‌ها ملزم می‌باشند در گزارش‌های ارسالی خود چستی مفهوم خانواده و دامنه و گستره شمول آن را معلوم دارند. بدین ترتیب هر تعریفی که دولت‌ها از این نهاد ارائه دهند باید در انطباق با موازین حقوق بشر بوده و از دامنه شمولی موسع تبعیت نماید.

3. GL, Kaos. "LGBT Initiative from Prime Minister Erdoğan!" ILGA Europe. Retrieved 24 July 2012.

بر اساس یک نظر سنجی از نگرش جامعه ترکیه نسبت به تمایلات جنسی، ۳۶٪ از ترک‌ها در این کشور ازدواج همجنس‌گرایان را پذیرفته‌اند؛
(منبع: http://www.radikal.com.tr/yazarlar/alper_hasanoglu/bekaret_ve_escinsellik-1120726 آخرین بازدید: ۲۰۱۵/۵/۲۷).

4. Susan B. Boyd and Helen Rhoades (edited), Law and Families, Ashgate, 2006, pp- 3-7.

۵. مواد ۱۲۶ و ۱۲۸ قانون مدنی ترکیه.

شایان ذکر است که نکاح به رسمیت شناخته شده طبق قوانین کشور ترکیه به صورت حقوقی و با رعایت دیگر قوانین مربوط مانند حصول اطمینان از سلامت زوجین^۱ انجام می‌شود. در صورت تمایل افراد می‌توانند ازدواج مذهبی هم داشته باشند اما عقد مذهبی اعتبار قانونی در کشور ترکیه ندارد. در اینجا باید بیان داشت به رسمیت نشناختن ازدواج‌های خارج از فرآیند قانونی در مراجع قضایی ترکیه موید این امر می‌باشد که دولت با توسل به یک نوع سیاست مداخله گرایانه در تعریف خانواده سعی نموده تا الزامات رعایت قانون را در لوای یک ضمانت اجرای مخفی به شهروندان تحمیل نماید. در ترکیه هر زوجی که بدون ثبت قانونی و تنها براساس قوانین مذهبی به عقد یکدیگر درآیند به دو تا شش ماه زندان محکوم شده و فرزندان آنها نیز از حقوق قانونی بی‌بهره می‌باشند.^۲ از دیگر موارد مشابه در خصوص دخالت مستقیم دولت ترکیه در تعیین نحوه شکل‌گیری خانواده ممنوعیت چند همسری می‌باشد که از یک سو مطالبات جامعه زنان و از سوی دیگر جلب نظر مثبت اتحادیه اروپا را نسبت به دولت در بر داشته است.

حضانة از کودکان در قوانین ترکیه

در رابطه با حضانة فرزندان مقرراتی در قوانین ترکیه پیش بینی گردیده است و در واقع رد پای مداخله دولت ترکیه در این حوزه نیز به چشم مش‌خورد. در قوانین پیشین ترکیه مقرر شده بود که اگر زن و شوهر برای حضانة کودکان توافق نداشتند دادگاه حضانة آنها را به پدر واگذار می‌کرد. این بند در قانون جدید حذف شد و هر کدام از آنها که حضانة فرزندان را به عهده ندارند طبق قانون موظف است که به لحاظ مالی در هزینه های زندگی کودکان سهمیم باشد. وفق ماده ۱۸۶ قانون مدنی ترکیه زوجین از حقوق و تکالیف برابر در نگهداری از فرزندان برخوردار هستند و در قبال آموزش رسمی و دینی فرزندان خود مسئول می‌باشند. در صورت وقوع طلاق نیز دادگاه موظف است با در نظر گرفتن مصالح عالیة کودک حضانة وی را به یکی از والدین واگذار نماید که حاکی از الگو برداری قوانین نوین ترکیه از پیمان‌نامه بین‌المللی حقوق کودک^۳ در مسئله حضانة از فرزندان می‌باشد. با توجه به ماده ۲۰ قانون ۲۶۷۵ حقوق بین‌الملل خصوصی و آیین دادرسی ترکیه (۱۹۸۲) در قوانین ناظر بر طلاق موازین مربوط به حضانة از فرزندان نیز مقرر می‌گردد. مطابق با ماده ۳ پیمان‌نامه موصوف دولت‌ها باید منافع عالیة کودک را در همه تصمیمات مربوط به آنان مد نظر قرار دهد. همچنین در ماده ۵ این سند به تکلیف دولت مبنی بر حمایت از خانواده و والدین به عنوان پرورش دهندگان اصلی کودکان اشاره می‌نماید.^۴

۱. طبق قوانین ترکیه زوجین جهت اعتبار بخشیدن به ازدواج خود باید قبل از ازدواج مدارک موید انجام آزمایش‌های پزشکی تشخیص بیماری‌های خونی و ارثی را از مراکز پزشکی دولتی اخذ نمایند. علاوه بر آن به دنبال افزایش خشونت علیه زنان و همسرکشی در ترکیه، اخیراً یکی از کمیسیون‌های پارلمان این کشور پیشنهاد کرد برای مردان «گواهینامه صلاحیت ازدواج» صادر شود.

۲. به نقل از خبرگزاری شفقنا (۱۰ خرداد ۱۳۹۴): دادگاهی در ترکیه به تازگی اعلام کرده از این پس مجوزهای مذهبی برای جاری شدن عقد ازدواج میان دو نفر در این کشور کافی است و نیازی به ثبت قانونی آن نیست. به همین خاطر جنجال گسترده‌ای در این کشور برپا شده و صدها نفر در اعتراض به این حکم دست به تظاهرات زده اند.

۳. دولت ترکیه در سال ۱۹۲۴ به پیمان‌نامه بین‌المللی حقوق کودک مورد تصویب ملحق گردید.

۴. ماده ۱۸ پیمان‌نامه بین‌المللی حقوق کودک در رابطه با تعهدات دولت در حمایت از والدین در راستای نگهداری کودکان اذعان می‌نماید:

(۱) حکومت‌ها تأکید و تضمین میکنند که پدر و مادر هر دو با هم مسوول تربیت و رشد کودک هستند.
(۲) حکومت‌های عضو این پیمان، جهت اجرای حقوق مندرج در اینجا، از والدین در انجام وظایف خود در رابطه با تربیت و رشد کودک، پشتیبانی میکنند.
(۳) حکومت‌ها تمام اقدام‌های لازم را انجام میدهند تا برای نگهداری از کودکانی که والدین شاغل دارند، امکانات مناسب فراهم نمایند.

آموزش خانواده در ترکیه

در زمینه آموزش نیز دولت‌ها متعهد به ارائه خدمات شایسته به افراد می‌باشند زیرا نخستین نهاد آموزش دهنده به فرد خانواده است و از این حیث نقش حائز اهمیتی را در افزایش توانمندی‌های اعضای خود دارا می‌باشد. دولت‌ها موظفند تا در راستای آگاهی اخلاقی افراد در چهارچوب خانواده به عنوان پیش شرط دستیابی به توسعه پایدار اقدامات لازم را مبذول دارند.^۱ در اسناد بین‌المللی به دولت‌ها توصیه گردیده تا با توسل به سیاست‌گذاری‌های مناسب ارتقاء سطح کمی و کیفی آموزش‌های اخلاقی در خانواده‌ها را رقم زنند.^۲

در طول دوره طرح توسعه (۲۰۱۳-۲۰۰۷) در ترکیه، برنامه‌های آموزشی خدمات مشاوره‌ای برای خانواده‌ها آغاز شد و لزوم ارائه مساعدت‌های اجتماعی به خانواده‌های فقیر، ایجاد رویکرد خانواده محور در فرآیند کمک رسانی و خدمات اجتماعی به تصویب رسید، تا علل افزایش معضلات و مسائل خانواده‌ها تحلیل و بررسی شود.^۳ لیکن آنچه در فضای امروز ترکیه بیش از پیش بعنوان یک چالش محسوس و ملموس می‌باشد و آن بروز روح و روان متضاد حاکم بر جامعه کنونی ترکیه می‌باشد که زاییده تنش میان فضای اسلامی، شرق گرایی، بروز تمایلات جهان وطنی برخاسته از پدیده جهانی شدن، آمیزش ناهمگون سنت‌های امپراطور عثمانی با جامعه سکولار و مدرنیته پوزیتیویسم کنونی می‌باشد و از این حیث آموزش از در کشور ترکیه از اهمیت بسزایی برخوردار خواهد بود. بر اساس آمار سازمان جهانی یونسکو در سال ۲۰۰۹ از کل جمعیت کشور ترکیه ۸۸/۷ درصد باسواد بوده‌اند که از این میزان ۹۶/۲٪ از مردان و ۸۱/۳٪ از زنان جمعیت باسواد آن کشور را تشکیل می‌دادند.^۴ نظام آموزشی ترکیه مشتمل بر پیش دبستانی، دبستانی، دبیرستان در قالب آموزش رسمی و آموزش‌های غیر رسمی می‌باشد. آمار بدست آمده حاکی از آن است که جمعیت شاغل به تحصیل در مقطع پیش دبستانی از ۶٪ در سال ۱۹۹۶ به ۱۳٪ در سال ۲۰۰۶ افزایش یافته است.^۵

آموزش «سبک‌های زندگی سالم» و «آشنایی با ارزش‌های فرهنگی ملی» از جمله محورهای آموزش‌های غیر رسمی در ترکیه می‌باشد.^۶ تا سال ۱۹۷۰ آموزش دختران در ترکیه با تمرکز بر پرورش زنانی ایده‌آل و آگاه به تمام امور زندگی خانوادگی و یادگیری مهارت‌های خانه‌داری مبتنی بر الگوهای یک جامعه متمدن و مدرن صورت می‌گرفت. موسسه‌های آموزش دختران در آن زمان سعی داشتند با اتکاء بر هنجارهای غالب در ایدئولوژی بورژوازی «خانگی» جامعه زنان ترکیه را به مدرنیته سوق دهند.

در سال‌های بعد موسسات آموزشی با نام «مدارس دختران» به «مدارس عالی حرفه آموزی دختران» تغییر نام داد و نهادهای آموزشی «اقتصاد خانه‌داری» جای خود را به مراکز آموزشی در زمینه صنایع غذایی، میکروبیولوژی و بسته بندی غذا دادند و فی‌الواقع محور آموزش‌های دختران و زنان در ترکیه از مهارت‌های خانه‌داری به مهارت‌های فنی و شغلی تغییر جهت داد.^۷ در نظام آموزشی کنونی در ترکیه ضرورت «برابری جنسیتی در آموزش» مورد تاکید وافر کارگزاران دولتی می‌باشد. آنچه به عنوان یک عملکرد موفقیت آمیز می‌توان در نظام آموزشی ترکیه می‌توان تصریح نمود رشد تعاملات آموزشی این کشور با جوامع توسعه یافته

1. E/2006/NGO/8, Statement submitted by the World Family Organization, a non-governmental organization in consultative status with the Economic and Social Council, 2006, p.3.

2. *Ibid*, p.4.

3. The Tenth Development Plan 2014-2018, English translation of the original document, pp. 40- 43.

4. Margaret Fitzpatrick, Fauzia Rahman And Huseyin Esen, Globalization and Education Policy in Turkey: Education of Women, Religious Education and Higher Education, University of Illinois at Urbana-Champaign, 2009, pp. 8-10.

5. جهت مطالعه بیشتر ر.ک به:

http://stats.uis.unesco.org/unesco/TableViewer/document.aspx?ReportId=121&IF_Language=eng&BR_Country=7920

6. *Ibid*, p. 10

7. *Ibid*. p. 12.

در راستای اهداف برنامه جامع آموزش بین‌المللی در اروپا*^۱ و بازگشت فارغ التحصیلان ترک به کشور پس از طی مدارج عالی تحصیلی در کشورهای توسعه یافته می‌باشد که هر ساله به میزان آن افزوده می‌شود.^۲

جدول (۱): آمار آموزش‌های فراملی در ترکیه^۳

سال آموزشی	تعداد دانشجویان خارج شده از کشور	تعداد دانشجویان وارد شده به کشور	تعداد دانشگاهیان خارج شده از کشور	تعداد دانشگاهیان وارد شده به کشور
۲۰۰۴-۲۰۰۵	۱۱۴۲	۲۹۹	۳۳۹	۲۱۸
۲۰۰۵-۲۰۰۶	۲۸۶۰	۹۰۰	۵۸۵	۳۵۰
۲۰۰۶-۲۰۰۷	۴۹۰۰	۱۲۰۰	۱۴۵۰	۴۱۸

شایان ذکر است که نهادهای مردم نهاد در آن کشور نقش بسزایی در ارائه خدمات آموزشی به خانواده‌ها و ارتقاء سطح دانش و آگاهی آنها با هدف حفظ نهاد خانواده داشته‌اند^۴ و از آنجایی که تاسیس یک سازمان مردم نهاد عمدتاً بر مبنای دغدغه موسسان آن سازمان صورت می‌گیرد در نتیجه با نگرشی تخصصی‌تر و متعهدانه‌تر در حوزه فعالیت خود عمل خواهند نمود. به عنوان نمونه سازمان مردم نهادی که با هدف حمایت از حقوق مصدومین شیمیایی تاسیس می‌گردد و غالباً اعضای از همین افراد آسیب دیده می‌باشند جدی‌تر مسائل آن حوزه مورد پیگیری قرار خواهند داد. از جمله محورهای آموزش خانواده‌ها در ترکیه به موارد ذیل اشاره می‌گردد:

- ❖ افزایش مساعدت به خانواده‌ها، ارائه خدمات مشاوره‌ای و آموزشی جامع.^۵
- ❖ استانداردسازی، گسترش، افزایش تاثیرگذاری آموزش‌های قبل از ازدواج.^۶

انحلال خانواده در قوانین ترکیه

از دیگر حوزه‌ها و بسترهای دخالت دولت در نهاد خانواده تدوین قوانین مربوط به انحلال نکاح می‌باشد که بررسی و تحلیل جنبه‌های مثبت و منفی رویکرد دولت‌ها به این مساله در سنجش و ارزیابی سیاست‌گذاری آنها در حمایت از حفظ و بقاء در خور توجه می‌باشد. بر اساس مواد ۱۶۱ تا ۱۶۶ قانون مدنی ترکیه زمینه‌های شکل دهنده حق طلاق برای زن و مرد به دو گروه خاص و عام تقسیم شده است:

دلایل خاص:

- ۱- خیانت
- ۲- تلاش عمدی برای قتل، بدرفتاری و تحقیر شدید.
- ۳- ارتکاب جرم و رفتار غیر معمول
- ۴- ترک زندگی

* . Bologna Process

۱. ترکیه در سال ۲۰۰۱ به برنامه جامع آموزش بین‌المللی اروپا تحت عنوان «فرآیند بلوگنا» ملحق شد.

۳ . Margaret Fitzpatrick, Fauzia Rahman And Huseyin Esen, Globalization and Education Policy in Turkey: Education of Women, Religious Education and Higher Education, University of Illinois at Urbana-Champaign, 2009, P. 29.

۴. از جمله نهادهای مردم نهاد در ترکیه که در آموزش خانواده‌ها در ترکیه فعالیت عمده‌ای داشته‌اند:

“My Family”, “7 is Too Late Campaign”, “Mother-Child Education Program”, “Father Support Education program”, “Pre-school Education Campaign”, “Parent-Infant Education Program” and “Mobile Nursery School”.

۵ . Ibid

۶ . Ibid

۵- بیماری روحی

۶- فروپاشی غیر قابل اصلاح رابطه زوجین

دلایل عام:

۱- ناسازگاری

۲- توافق دوجانبه

۳- عدم اصلاح رابطه پس از متارکه‌ای که به مدت سه سال طبق دستور دادگاه صورت گرفته است.^۱

وفق ماده ۱۶۱ قانون مدنی ترکیه برقراری رابطه جنسی یکی از زوجین با شخص ثالث به هریک از زن و شوهر اجازه خواهد داد تا با طرح دعوا بر اساس خیانت صورت گرفته نسبت به طلاق اقدام نماید. هر یک از زوجین پس از اطلاع از خیانت صورت گرفته، بصورت علیحده ۶ ماه فرصت خواهند داشت نسبت به اقامه دعوی علیه همسر خود اقدام نماید و در غیر اینصورت (عدم اطلاع) و در هر شرایط دیگری مدت زمان ۵ ساله از زمان وقوع عمل صورت گرفته برای طرح دعوا در دادگاه پیش بینی گردیده است که فی الواقع اگر هر یک از زوجین به هر نحو از خطای همسر خود مطلع نشود حق طلاق وی مشمول مرور زمان ۵ ساله خواهد بود.^۲ اساس این محدودیت زمان برای طرح دعوی طلاق از طرف زوج و یا زوجه‌ای که در معرض خیانت همسر خود قرار گرفته این است که اگر همسر خاطی به مدت ۵ سال خطای خود را ترک نمود نشان دهنده آن است که مقدمات اصلاح رفتار در همسر خاطی صورت گرفته و انحلال رابطه زوجیت و فروپاشی نهاد خانواده بر مبنای خطایی که دیگر تکرار نشده، توسط قانون مجاز شمرده نمی‌شود.

در صورتی که هر یک از زوجین به مدت ۶ ماه و با هدف فرار از تعهدات زناشویی و بدون دلیل موجه زندگی مشترک خود را ترک نموده و اخطار قانونی صادر شده^۳ به زن و یا شوهر مرتکب ترک بدون پاسخ باقی بماند، همسر دیگر می‌تواند با مراجعه به دادگاه نسبت به طرح دعوی طلاق اقدام نماید. ترک زندگی مشترک اصطلاحاً به اختتام رابطه زناشویی میان همسران گفته می‌شود فلذا علت ترک صورت گرفته در صدور مجوز طلاق برای همسر شرط ضروری می‌باشد و بر همین اساس ترک همسر به دلایلی مانند خدمت سربازی اجباری، حبس، مراقبت‌های پزشکی، بیماری و یا سفرهای تجاری و یا موارد مشابه (که موجه می‌باشد) از موجبات صحیح برای طرح دعوی طلاق بر این مبنای نمی‌باشد زیرا در این موارد با فقدان عنصر سوء نیت و قصد به ترک تعهدات زناشویی روبرو هستیم.

هر یک از زوجین با تلاش عمدی برای قتل، بدرفتاری و تحقیر شدید به همسر خود امکان طرح دعوی طلاق را خواهد داد. بر اساس ماده ۱۶۲ قانون مدنی ترکیه تلاش هر یک از زوجین به قتل، بدرفتاری و تحقیر شدید از موجبات اقامه دعوی طلاق شمرده می‌شود. اگر یکی از زوجین به نحوی نسبت به اقدام برای قتل همسر خود تلاش نماید (شروع به قتل همسر) زمینه قانونی حق طلاق برای دیگری فراهم خواهد شد. اعمالی مانند ضرب و شتم بی‌رحمانه، حبس کردن در اتاق، بستن دست و پا و به گرسنگی کشاندن همسر از مصادیق بدرفتاری شمرده می‌شود. سومین دلیل اعطای حق طلاق به همسر وفق ماده ۱۶۲ قانون مدنی ترکیه در صورت بی‌احترامی به همسر، بیرون انداختن وی از خانه مشترک و توهین کردن و فحاشی وی محقق خواهد شد که هر یک از این رفتارها می‌تواند بصورت کتبی یا شفاهی صورت گرفته باشد. می‌بایست اذعان نمود که موارد مذکور تا حدی مشابه به سوء معاشرت همسر که در قانون مدنی ایران به آن اشاره شده است، می‌باشد لیکن بررسی رویه قضایی در اثبات هر یک از رفتارهای صورت گرفته توسط زوجین و فرآیند قانونی آن در هر دو کشور مستلزم پژوهش و

1. Civil Code of Turkey (2002).

2. *Ibid*

۳. فرد پس از گذشت ۴ ماه از اقدام به ترک صورت گرفته توسط همسر خود می‌تواند از دادگاه تقاضای صدور اخطاریه را بنماید.

بررسی مستقل می‌باشد^۱ تا از رهگذر این بررسی به خلاءها و نقاط قوت موجود در قوانین آیین دادرسی و رویه‌های قضایی ذی ربط پی برده شود.

به موجب ماده ۱۶۵ قانون مدنی ترکیه در صورتی که رابطه زوجین غیر قابل اصلاح باشد برای هر یک از آنها امکان طرح دعوی طلاق فراهم میسر می‌گردد که این حق برای هر یک از زوجین در صورتی قابل اعمال خواهد بود که حداقل یک سال از ازدواج آنها سپری شده باشد و هر دوی زوجین نسبت به انحلال رابطه زوجیت از طریق طلاق توافق نموده و یا آنکه زن یا شوهر نسبت به اقامه دعوی طلاق که توسط همسرش علیه وی صورت گرفته معترض نباشد.^۲

نکته حائز اهمیت در این ماده قانونی شرط سپری شدن دوره زمانی یکساله از ازدواج می‌باشد و زوجین تا قبل از گذشت یکسال از ازدواج نمی‌توانند با ادعای عدم امکان اصلاح رابطه با همسر خود نسبت به طرح دعوی طلاق اقدام نمایند. در حقیقت پیش‌بینی فرصت قانونی برای تصمیم‌گیری در خصوص طلاق خود می‌تواند این فرصت را برای زوجین فراهم آورد. تا با تصمیم عجولانه رابطه زوجیت خود را منحل ننموده و این مقرر در حفظ و حمایت از کانون خانواده مؤثر واقع می‌گردد. متأسفانه در ایران زوجین در هر زمان و بدون محدودیت می‌توانند رابطه زوجیت خود را غیر قابل اصلاح فرض نموده و جهت اخذ گواهی عدم سازش برای طلاق اقدام نمایند و در برخی موارد فرآیند زمانی صدور حکم طلاق کمتر از یک‌هفته و بدون فراهم شدن فرصت بازسازی روابط میان زوجین که از ازدواج آنها ممکن است فقط یک روز گذشته باشد، صورت می‌گیرد. حتی برخی از فرصت‌های زمانی پیش‌بینی شده در قانون حمایت از خانواده به گونه‌ای فرآیند صدور حکم طلاق را تسریع بخشیده است. به عنوان نمونه بر اساس ماده ۲۸ قانون مذکور پس از صدور قرار ارجاع امر (اختلاف زوجین) به داوری، هر یک از زوجین مکلفند «ظرف یک هفته» از تاریخ ابلاغ، یک نفر از اقارب خود را که حداقل ۳۰ سال سن داشته و متأهل و آشنا به مسائل شرعی، خانوادگی و اجتماعی باشد به عنوان داور به دادگاه معرفی نمایند.

همانطور که مشاهده می‌شود پیش‌بینی مهلت قانونی یک هفته برای زوجین فرصت کافی را برای اصلاح روابط میان آنها فراهم نمی‌نماید. جهت اصلاح مقررات حقوق خانواده و در راستای تلاش جهت حفظ این نهاد اجتماعی می‌توان با در نظر گرفتن مهلت زمانی بیشتر برای زوجین و فراهم نمودن خدمات مطلوب مشاوره به لحاظ کیفی و کمی و اجتناب از سپری شدن فرصت‌ها با جلسات صلح و سازش صوری از فروپاشی خانواده‌های در معرض انحلال تا حدی جلوگیری نمود. از سوی دیگر در مقایسه با مهلت‌های زمانی مقرر در قوانین ترکیه در نظر گرفتن اعتبار سه ماهه برای گواهی عدم سازش که در قوانین داخلی ایران پیش‌بینی گردیده است جهت اصلاح و دستیابی به صلح و سازش میان زوجین به نظر کافی نمی‌رسد با این تفاوت که حتی مهلت سه ماهه اعتبار گواهی عدم سازش که پس از شدت گرفتن اختلاف زوجین و توسل آنها به مراجع قضایی در قانون پیش‌بینی گردیده قاعدتاً منجر به فراهم شدن زمینه سازش میان زوجین در این مرحله (مرحله مراجعه زوجین به دادگاه جهت صدور حکم طلاق) نخواهد شد.

بر اساس ماده ۱۶۳ قانون مدنی ترکیه در صورت ارتکاب جرم توسط هر یک از زوجین و یا بروز رفتار نامعقول حتی نسبت به اشخاص ثالث زن یا شوهر مجاز خواهند بود که نسبت به طرح دعوی طلاق اقدام نمایند. البته مشروط به آنکه هر یک از افعال موصوف باید در طول مدت رابطه زوجیت وقوع یافته باشد و شامل اعمال ارتكابی زوجین قبل از ازدواج نمی‌باشد. مصادیق رفتار

۱. *Ibid*

۲. جهت مطالعه بیشتر ر.ک به:

نامعقول هر یک از زوجین در قانون ترکیه احصاء نگردیده لیکن عدم رعایت شئون اخلاقی و حیثیتی جامعه می تواند از موارد رفتار نامعقول و به بیان بهتر غیر متعارف محسوب گردد. عدم انحصار این رفتار به موارد خاص در قانون از یک سو گویای این حقیقت می باشد که قوانین ترکیه در خصوص طلاق به لحاظ محتوای کیفی مطابق از عرف مرسوم و معقول جامعه تبعیت می نماید که این امر به نحوی امنیت همسر را در رابطه زوجیت تضمین خواهد کرد، در حالیکه مقررات قانونی داخلی ایران در ارتباط با دلایل طلاق صرف نظر از ترک انفاق و ترک زندگی زناشویی صرفاً متضمن عباراتی کلی بوده و مانند قوانین ترکیه دربردارنده عبارات «روشن و متقن» نمی باشد که این امر علاوه بر آنکه موجبات تشطط آراء قضایی در خصوص طلاق در ایران را فراهم نموده به نحوی زمینه های وقوع طلاق بر همین اساس تسهیل می گردد زیرا وجود قوانین مبسوط خود وحدت رویه را در پی خواهد داشت که این امر استواری و انسجام نظام قضایی را منجر خواهد شد. شایان ذکر است که در دعاوی مربوط به طلاق در ایران مرجع ایجاد وحدت رویه (دیوان عالی کشور) صرفاً عملکردی شکلی داشته و شیوه عملکرد آن در ماهیت امر و هدایت اختلاف زوجین به صلح تأثیری ندارد. به عنوان نمونه ماده ۱۱۳۰ قانون مدنی ایران در باب انحلال نکاح، در توصیف آن دسته از رفتارهای زوجین که منجر به درخواست طلاق می گردد صرفاً به این عبارت بسنده نموده و تشخیص و تعیین ماهیت مساله را به نظرات مختلف و متنوع قضات رسیدگی کننده به این دعاوی واگذار کرده است:

ماده ۱۱۳۰ ق.م: «...سوء معاشرت شوهر به حدی که ادامه زندگانی زن را با او غیرقابل تحمل سازد».

لیکن همانطور که تصریح شد در قانون ترکیه با ارائه تعریف محتوایی از سوء معاشرت زوجین از سلیقه ای عمل نمودن مراجع رسیدگی کننده به دعاوی طلاق که عمدتاً ممکن است در اثر فقدان قوانین مصرح دچار خطا گردیده و منجر به صدور حکم طلاق بر اساس دلایل واهی و یا خطاهای قابل اصلاح زوجین شود، جلوگیری نموده است.

مطابق با ماده ۱۶۵ قانون مدنی ترکیه در صورتی که بیماری روانی^۱ هر یک از زوجین زندگی مشترک را برای همسر غیر قابل تحمل نماید، بر اساس گزارش صادره توسط کمیته پزشکی یک بیمارستان دولتی بیماری روانی همسر غیر قابل علاج تشخیص داده شود همسر از امکان طرح دعوی طلاق برخوردار خواهد گردید.^۲

۱. فرآیند قانونی طلاق در ترکیه:

طرح یکجانبه دعوی طلاق: هر یک از همسران می توانند با توسل به یکی از دلایل مندرج در دلایل خاص نسبت به دعوی طلاق در دادگاه محل اقامت مشترک زوجین در ۶ ماه گذشته و یا دادگاه محل اقامت مدعی (متقاضی طلاق) مراجعه نمایند. طلاق توافقی: یکی از زوجین می تواند با ارائه متن توافقنامه طلاق مشتمل بر شرایط مالی و غیر مالی توافقنامه به دادگاه جهت درخواست صدور حکم طلاق وفق مقررات مراجعه نماید.

^۱. بیماری های روانی از نوع شیذوفرنی یا پارانوئیا.

پارانوئید، پارانوئیا، یا روان گسیختگی پارانوئید (به انگلیسی Paranoia) : یا paranoid schizophrenia در تعریف عام آن، حالتی است که شخص در آن با اهمیت فوق العاده و خارج از اندازه های که به سلامت جانی و مالی خود می دهد، خود را شکنجه می دهد. این گونه از افراد مدام در این فکر هستند که عواملی انسانی، طبیعی یا ماورا طبیعی خودشان، دارایی و افراد خانواده شان را تهدید می کنند و همه، در فکر توطئه چینی بر ضد آنها هستند.

این بیماری یکی از گونه های روان گسیختگی است. روان گسیختگی پارانوئید یک بیماری جدی و مزمن است که فرد گرفتار تماس با واقعیت را از دست داده و شاید شخص را به سوی بسیاری از حالت های خطرناک، مانند کنش های خودکشی، هدایت می کند (برگرفته از دانشنامه آزاد ویکی پدیا). روان گسیختگی یا اسکیزوفرنی یا شیذوفرنی (به انگلیسی Schizophrenia): یک اختلال روانی است که مشخصه آن از کار افتادگی فرایندهای فکری و پاسخگویی عاطفی ضعیف می باشد. این بیماری در بین همه بیماری های عمده روانشناختی از همه وخیم تر می باشد و معمولاً خود را به صورت توهم شنیداری، توهم های جنون آمیز یا عجیب و غریب، یا تکلم و تفکر آشفته نشان می دهد، و با اختلال در عملکرد اجتماعی یا شغلی قابل توجهی همراه است.

^۲. Civil Code of Turkey (2002).

۲. متارکه قانونی: هر یک از زوجینی که بموجب قانون از حق درخواست طلاق برخوردار گردیده است می‌تواند از دادگاه صدور حکم متارکه قانونی به عنوان یک راه حل جایگزین طلاق که به طرف دیگر فرصت بازسازی و اصلاح را خواهد داد، تقاضا نماید. در شرایطی که به تشخیص دادگاه امکان تداوم زندگی مشترک در آینده وجود داشته باشد دادگاه می‌تواند برای مدتی همسر متقاضی متارکه را از مصائب زندگی مشترک با شوهر و یا زن دور نماید تا از این طریق امکان و فرصت بازگشت و تسکین آلام بوجود آمده برای زوجین فراهم گردد. مشابه چنین مقرره‌ای در ماده ۱۱۱۴ قانون مدنی ایران نیز پیش بینی گردیده است:

« زن باید در منزلی که شوهر تعیین می‌کند سکنی گزیند مگر آنکه اختیار تعیین منزل به زن داده شده باشد. اگر بودن زن با شوهر در یک منزل متضمن خوف ضرر بدنی یا مالی یا شرافتی برای زن باشد، زن می‌تواند مسکن علیحده اختیار کند و در صورت اثبات این مطلب در دادگاه، زن از بازگشت به منزل شوهر معاف است و شوهر باید نفقه‌ی او را در مسکنی که به سر می‌برد بپردازد».

آنچه در تفاوت میان متارکه قانونی در ترکیه و ماده ۱۱۱۵ قانون مدنی ایران می‌توان به آن اشاره نمود آن است که نگرش قانونگذار ایران در تدوین این مقرره بر اساس بینش جامعه شناختی و روانکاوانه روابط عاطفی زن و شوهر نبوده و جنبه حفظ امنیت زوجه و پیش‌گیری از ارتکاب جرم در این ماده قوی‌تر از تلاش برای اصلاح رابطه زوجین به نظر می‌رسد. زیرا با تحقق زمینه‌های خوف ضرر مالی جانی یا حیثیتی برای زوجه که امکان اختیار نمودن مسکن جداگانه را برای وی فراهم می‌نماید تا چه حد می‌توان به بازگشت زوجه نزد همسرش امیدوار بود؟!!

در پژوهشی با عنوان «ارتباط چرخه‌ی خانواده و طلاق» که بر پایه تحلیل داده‌های حاصل از مطالعه کشورهای اروپایی صورت گرفته با افزایش متغیرهایی نظیر سن ازدواج، امید به زندگی و نیروی کار زنان و کاهش باروری میزان طلاق نیز افزایش یافته و ترکیه نیز از این تحولات بی‌نصیب نبوده است لیکن همانطور که بیان شد با توجه به اطلاعات آماری به دست آمده میزان این آسیب‌ها و در صدر آن آمار واقعه طلاق در ترکیه در قیاس با کشورهای اروپایی کمتر بوده است.^۱

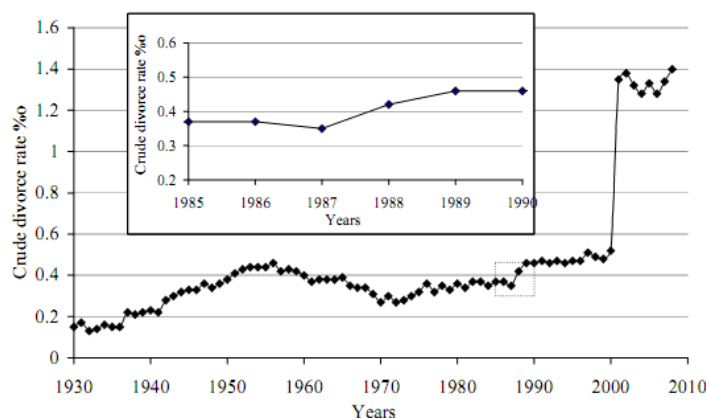
با توجه به تغییرات موصوف آنچه می‌توان در خصوص یکی از شاخصه‌های مثبت جامعه کنونی ترکیه تصریح نمود آن است که ۶۵ درصد از جمعیت زنان در سن باروری در آن کشور متاهل می‌باشند.^۲ همزمان آمار طلاق در ترکیه از ۰/۱۵ در سال ۱۹۳۰ به ۰/۳۷ درصد در سال ۱۹۶۱ افزایش یافت و نوسان آمار طلاق در دهه ۱۹۹۰ بین ۰/۴۶ تا ۰/۵۲ بود که این رقم در سال ۲۰۱۰ به ۱/۶ (نمودار شماره ۱) رسید.^۳ بر اساس ارزیابی بسیاری از کارشناسان رشد آمار طلاق در ترکیه اغلب به دلیل روابط آزاد و خارج از چهار چوب و عدم ارضای تمایلات عاطفی زوجین عنوان گردیده است که بی‌شک متاثر از همجه آموزه‌های غربی می‌باشد و نه سیاست‌های تقنینی.^۴

^۱ . Kuznel, R. The Connection between the Family Cycle and Divorce Rate: An Analysis based on European Data, Journal of Marriage and the Family, 1974, 36: pp. 379-388.

^۲ . Turkish Demographic and Health Survey (TDHS), 2008 & Demographic Transition in Turkey, http://www.hips.hacettepe.edu.tr/TurkiyeninDemografikDonusumu_220410.pdf

^۳ . Turkish Statistical Institute (Turkstat), (2010) Marriage&Divorce Statistics 2009, <http://www.tuik.gov.tr>

^۴ . Yurtkuran-Demirkan, S., Ersoz, A. G., Sen, R.B., Ertekin, E., Sezgin, O., Turgut, A. M., Sehitoğlu, N. (2009). Divorce Reasons Survey. T. R. Prime Ministry Directorate General of Family and Social Research Series, 140, Ankara.



نمودار (۱) منبع: موسسه آمار و جمعیت ترکیه

فی الواقع عدم تناسب و تطابق میان آرمان‌های زوجین و فراموشی سنت و رسوم تاریخی جامعه ترکیه مبنی بر حفظ رابطه زوجیت از عوامل عمده بروز تنش‌هایی محسوب می‌شود که امروزه منجر به طلاق می‌گردد. بررسی‌های اخیر نیز حاکی از آن است که فقدان روابط نزدیک میان زوجین نسبت به یکدیگر از میان عوامل رشد آمار طلاق سهم بیشتر را بالغ بر ۶۹٪ به خود اختصاص داده است.^۱

جدول (۲) - آمار ازدواج در نواحی مختلف ترکیه (۲۰۱۱-۲۰۱۲)

The place of event (SR-Level 1)	Number of marriages		Mean age at first marriage				Age difference	
			Male		Female		2011	2012
	2011	2012	2011	2012	2011	2012	2011	2012
TR Turkey	185 053	184 206	26,7	26,8	23,5	23,7	3,2	3,1
TR1 Istanbul	29 375	30 782	27,7	27,8	24,9	25,0	2,8	2,8
TR2 West Marmara	7 796	7 688	26,8	26,9	23,5	23,8	3,3	3,1
TR3 Aegean	26 123	25 769	26,6	26,9	23,5	23,8	3,1	3,1
TR4 East Marmara	16 564	17 196	26,9	27,1	23,8	24,0	3,1	3,1
TR5 West Anatolia	19 224	19 383	26,3	26,5	23,5	23,6	2,8	2,9
TR6 Mediterranean	23 530	23 244	26,9	27,0	23,4	23,5	3,5	3,5
TR7 Central Anatolia	12 459	12 008	25,6	25,7	22,1	22,2	3,5	3,5
TR8 West Black Sea	12 132	11 896	25,9	26,2	23,1	23,2	2,8	3,0
TR9 East Black Sea	6 086	5 910	27,2	27,4	23,9	24,0	3,3	3,4
TRA Northeast Anatolia	5 355	5 234	26,7	26,6	22,7	22,6	4,0	4,0
TRB Centraleast Anatolia	8 710	8 455	26,7	26,7	23,2	23,4	3,5	3,3
TRC Southeast Anatolia	17 699	16 641	26,0	26,0	22,7	22,8	3,3	3,2

منبع: MERINS data base

۱. Ibid

از دیگر عوامل طلاق در ترکیه می‌توان به موارد ذیل اشاره نمود:

فقدان روابط مطلوب میان زوجین (۶۹٪)،

مشکلات اقتصادی (۳۴٪)،

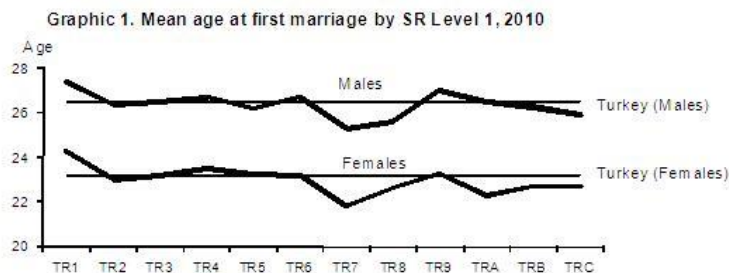
مسائل مربوط به فرزندان (۲۹,۸٪).

جدول (۳) - آمار ازدواج نخست و پایین‌ترین سن ازدواج در نواحی مختلف ترکیه (۲۰۱۰-۲۰۱۱)

Table 1. Number of marriages, crude marriage rate and mean age at first marriage by Statistical Regions, Level 1

SR (Level 1)	Number of marriages		Crude marriage rate (%)		Mean age at first marriage				Age difference	
					Males		Females			
	2010	2011	2010	2011	2010	2011	2010	2011	2010	2011
TR Turkey	582 715	592 775	7,98	8,02	26,5	26,6	23,2	23,3	3,3	3,3
TR1 Istanbul	104 055	105 860	7,97	7,88	27,4	27,5	24,3	24,5	3,1	3,0
TR2 West Marmara	21 597	22 217	6,88	6,97	26,4	26,6	23,0	23,2	3,4	3,4
TR3 Aegean	73 922	76 132	7,71	7,86	26,5	26,6	23,2	23,3	3,3	3,3
TR4 East Marmara	49 723	51 051	7,36	7,49	26,7	26,8	23,5	23,6	3,2	3,2
TR5 West Anatolia	53 261	54 182	7,68	7,64	26,2	26,3	23,3	23,5	2,9	2,8
TR6 Mediterranean	77 094	78 850	8,27	8,34	26,7	26,8	23,2	23,4	3,5	3,4
TR7 Central Anatolia	34 003	33 531	8,87	8,72	25,3	25,5	21,8	22,0	3,5	3,5
TR8 West Black Sea	35 560	34 257	7,89	7,82	25,6	25,8	22,6	22,8	3,0	3,0
TR9 East Black Sea	17 617	17 497	7,00	6,96	27,0	27,0	23,3	23,5	3,7	3,5
TRA Northeast Anatolia	19 756	19 208	9,00	8,67	26,5	26,4	22,3	22,3	4,2	4,1
TRB Centraeast Anatolia	30 509	30 304	8,39	8,24	26,3	26,3	22,7	22,9	3,6	3,4
TRC Southeast Anatolia	65 598	69 086	8,73	8,97	25,9	25,8	22,7	22,6	3,2	3,2

منبع: MERINS data base



نمودار (۲) - حداقل سن ازدواج نخست در میان زنان و مردان در ترکیه

منبع: MERINS data base

بازخوانی برنامه توسعه ترکیه در حوزه «خانواده» (۲۰۱۴-۲۰۱۸)

تحلیل و بررسی اسناد توسعه در کشورهای مختلف مؤید این حقیقت است که اولویت نسبی که به ابعاد مختلف توسعه داده می‌شود در هر کشور، جامعه، فرهنگ و حتی در هر موقعیت و در طول زمان، متفاوت است. به همین دلیل درحالی که توسعه یک چالش جهانی است، راهکارهای عملی فقط می‌تواند به صورت ملی، محلی و بومی تعریف شود. بر همین اساس رویکردهای توسعه انعکاسی از تنوع چالشهای اجتماعی، اقتصادی، زیست محیطی و سیاسی است که کشورهای مختلف با آن مواجه‌اند و تفسیرهای متعدد و مختلف از توسعه در واقع از ارزش‌ها و علائق مختلف در جوامع مختلف مشتق می‌شود، لیکن مطالعه و تحقیق پیرامون پیشرفت‌های نائل شده توسط کشورهای مختلف در زمینه «خانواده» ما را در تدوین سیاست‌ها و برنامه‌های ملی جامع یاری می‌رساند و عمومیت برخی از مسائل در مناطق مختلف جهان مانند جمعیت، محیط زیست و توسعه پایدار لزوم توجه به راه‌کارهای اتخاذ شده در دیگر کشورها را تقویت می‌نماید.

در راستای ارتباط تنگاتنگ توسعه اجتماعی و توسعه اقتصادی سازمان ملل متحد در طول دهه‌ها بر جنبه‌های اجتماعی توسعه تأکید کرده تا تأمین معیشت بهتر برای افراد به عنوان محور تلاش‌های توسعه مدار تضمین گردد. فعالیت سازمان ملل متحد در حوزه اجتماعی پیوسته با نگرشی «مردم محور» که افراد، خانواده‌ها و جوامع را در مرکز برنامه‌ها و تدابیر توسعه قرار می‌دهد، مرتبط شده است. کنفرانس جهانی کپنهاگ در سال ۱۹۹۵ نخستین اجلاسی بود که تمامی اعضای جامعه بین‌المللی گرد هم آمدند

تا همکاری خود را جهت مبارزه با فقر، بیکاری و فروپاشی اجتماعی ارتقاء بخشیده و قرن ۲۱ را از ضرورت مسئولیت و همبستگی اجتماعی آگاه سازند^۱ فلذا عنایت به مسائل مربوط به افراد که خانواده بخش عمده‌ای از آن تلقی می‌گردد در برنامه‌ها و سیاست‌های توسعه کشورها دیگر امری غیر قابل انکار است تا از رهیافت آن روند توسعه با فرآیندی حق محور و عدالت محور مسیر خود را طی نماید.

همانطور که اشاره شد نهاد «خانواده» در ترکیه به عنوان یکی از تاسیسات مهم اجتماعی همواره در معرض مداخلات دولت چه بصورت حاکمانه و چه بصورت حمایت گرایانه وجود داشته است و بر همین اساس مطالعه و واکاوی برنامه‌های ملی آن کشور در شناخت نهادهای عمومی دولت و ارزیابی عملکرد آنها لازم به نظر می‌رسد. اسناد، مستندات و برنامه‌های ملی و راهبردی مربوط به کشور ترکیه نظیر برنامه توسعه نهم ۲۰۱۳-۲۰۰۷، معاهده ریشه کنی همه گونه‌های تبعیض علیه زنان، شرایط اتحادیه اروپا و اهداف توسعه هزاره* و برنامه راهبردی ملی برابری جنسیتی (۲۰۱۳-۲۰۰۸) نشان می‌دهد که هشت حوزه زیر از اولویتهای ماموریتی ملی و وظایف اصلی حاکمیتی این کشور در حوزه زنان و خانواده بوده است.

- برابری جنسیتی
- آموزش و پرورش
- اقتصاد
- فقر
- قدرت و مشارکت در تصمیم گیری
- سلامت و بهداشت
- رسانه
- محیط زیست

شایان ذکر است که در برنامه توسعه نهم در ترکیه ارتقاء سطح کیفی و کمی خدمات آموزشی به خانواده‌ها و ارائه خدمات اجتماعی به خانواده‌های فقیر در اولویت کاری نهادهای حاکم قرار گرفت. از سوی دیگر تصریح به ضرورت انجام بیشتر پژوهش‌های علمی در خصوص مسائل مربوط به خانواده در برنامه توسعه نهم حاکمی از رویکرد علمی تصمیم گیرندگان به «خانواده» و اجتناب از اتخاذ تصمیمات مبتنی بر آزمون و خطا می‌باشد.

دهمین برنامه توسعه در ترکیه در راستای تدوین برنامه‌ای جامع برای سال‌های ۲۰۱۴ تا ۲۰۱۸ در صدویست و هفتمین جلسه مجمع اعلاهی ملی ترکیه در اول ژولای ۲۰۱۳ تصویب گردید. در برنامه توسعه موصوف توجه به نهاد خانواده به عنوان هسته اصلی جامعه و عامل پیوند افراد با یکدیگر در فضای توأم با بردباری، همدلی و درک متقابل در ایجاد جامعه‌ای سالم و مقاوم تصریح گردیده است. همانطور که در سطور پیشین اشاره گردید ترکیه از جمله کشورهایی است که خانواده و نقش آن در جامعه را در سیاست‌گذاری‌ها و خط‌مشی‌های کشور مطمح نظر قرار می‌دهد.

سیاست‌های برنامه توسعه دهم در حوزه تحکیم خانواده

در برنامه توسعه دهم ترکیه حوزه «خانواده» در چند بعد مهم با توجه به مسائل پیش رو در این کشور مورد توجه تدوین‌کنندگان قرار گرفت:

۱. حمایت از رفاه خانواده و تقویت این نهاد.
۲. ایجاد تعادل و تناسب میان اشتغال و زندگی خانوادگی

¹. A/CONF.166/9, "World Summit for Social Development", 1995. P. 6.

*Millennium Development Goals

۳. افزایش آمار باروری

۴. ارتقاء نظام ثبت میزان جمعیت

با توجه به محورهای عمده در برنامه توسعه یاد شده در این بخش به ذکر اجمالی راه کارهای و تدابیر مدون در خصوص «خانواده» به شرح ذیل پرداخته شده است:

- افزایش مساعدت خانواده‌ها در زمینه‌های خدمات جامع، استاندارد، موثر، گسترده و عمومی مشاوره و تعمیم آموزش‌های قبل از ازدواج

- گسترش میزان سطح مشارکت زنان در تصمیمات مربوط به آنها از طریق افزایش سطح اشتغال، آموزش و مهارت‌ها.

- محوریت بحث «خانواده» و تقویت این نهاد اجتماعی در سیاست‌گذاری‌های اجتماعی و اقتصادی

- اتخاذ تدابیر احتیاطی و پیش‌گیرانه در راستای کاهش آثار منفی رسانه‌ها بر خانواده‌ها از طریق اجرای برنامه‌های آموزشی درباره ارتباطات و تعاملات درون خانواده‌ای.

- گسترش اتخاذ راه کارهای مصالحه میان خانواده‌ها با هدف کاهش آمار طلاق و هدایت و نظارت بر نحوه و کیفیت ارائه خدمات به پدران و مادران بدون همسر.

- ارائه خدمات رفاهی نگهداری از کودکان به پدران و مادران شاغل.

- افزایش آگاهی‌های اجتماعی با هدف کاهش تدریجی خشونت علیه زنان از طریق آموزش‌های رسمی و غیررسمی از دوران کودکی.

- انتقال ارزش‌های فرهنگی و اجتماعی به نسل جوان از طریق تقویت روابط نسل‌ها با یکدیگر

- حفظ ساختار جمعیتی پویا از طریق:

۱. تقویت تناسب میان نهاد «خانواده» و اشتغال.

۲. گسترش کیفیت بالای خدمات نگهداری از کودکان و امکانات آموزشی پیش از مدرسه.

۳. توسعه فرهنگ و فضای دوستدار خانواده از طریق آموزشی، رسانه و حمایت از فعالان جامعه مدنی در حوزه آموزش خانواده‌ها.

۴. ایجاد محیط و تدوین سیاست‌های دوستدار کودک در زمینه بهداشت.

۵. توسعه امنیت شهری برای کودکان توسط مسئولان اجرایی محلی.

نتیجه‌گیری

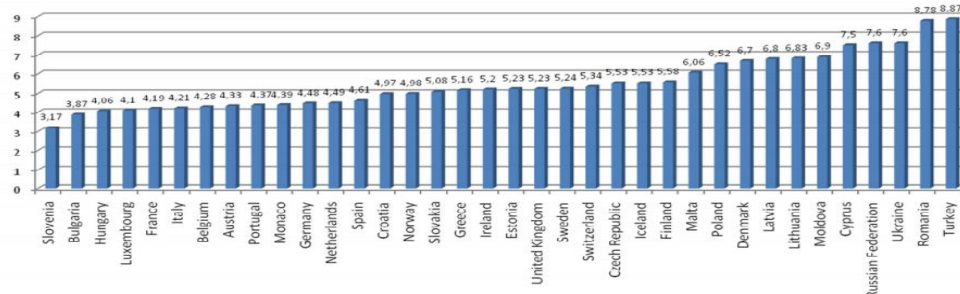
با بررسی روند تحولات قانونی و سیاست‌گذاری در ترکیه می‌توان به این نتیجه دست یافت که نهاد خانواده در آن کشور از اهمیت بسزایی برخوردار است. از سوی دیگر تغییرات صورت گرفته قانونی در ترکیه همواره با اتکاء بر رعایت و تحقق هر چه مطلوب‌تر مصادیق حقوق انسانی منبعث از هنجارهای بین‌المللی و اصولی مانند منع تبعیض مسیر خود را جهت عضویت آن عضویت آن کشور در اتحادیه اروپا طی می‌نماید. البته علیرغم پیشرفت‌های عمده ترکیه در حوزه مسائل اقتصادی آمار طلاق در این کشور مانند دیگر کشورها در سال‌های اخیر با رشد روبرو بوده که این افزایش در مقایسه با ایران کمتر بوده است. در سال‌های

گذشته نرخ خام طلاق* در ترکیه و لبنان ۱,۶ نفر بوده است که از شاخص نرخ طلاق به میزان ۱,۹ در ایران (۱۳۹۱) کمتر است و این امر مثبت این ادعا می‌باشد که با وجود حرکت کشور ترکیه به سوی یک جامعه صنعتی و توسعه یافته نسبت به جوامع پیشرفته دیگر از آسیب‌های ناشی از صنعتی شدن مانند طلاق بیشتر در امان بوده داشته است.

از سوی دیگر شیوه کنونی مداخلات دولت در مناسبات مربوط به خانواده دیگر رنگ و بوی تسلط و تحکم بر حوزه خصوصی افراد را ندارد و تلاش می‌گردد مقررات و سیاست‌های دولت‌ها حمایت از این نهاد اجتماعی و اعضای آن را از حیث ایفای تعهدات دولت در قبال خانواده‌ها در پی داشته باشد.

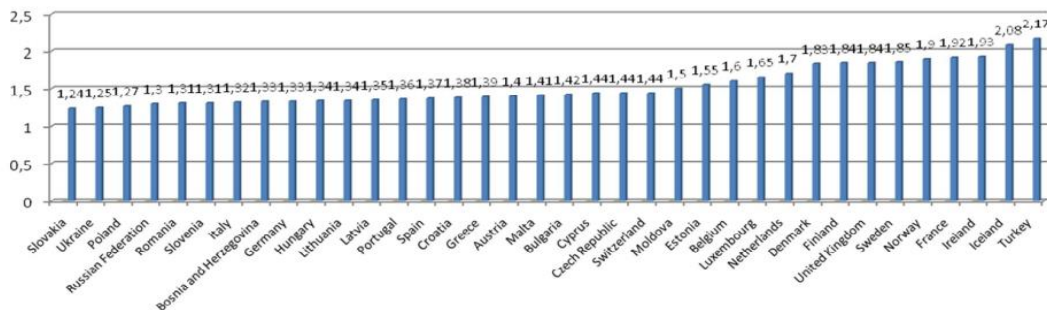
ضمائم

Crude Marriage Rate
(‰)



نمودار آماری نرخ خام ازدواج در ترکیه در مقایسه با کشورهای دیگر^۱

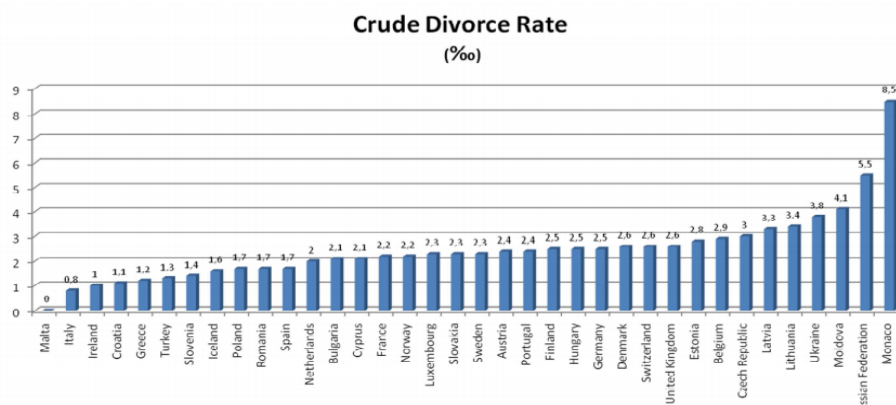
Total fertility rate



نمودار آماری باروری خام در ترکیه در مقایسه با کشورهای دیگر

* Crude Divorce Rate

¹. Family Policy in Council of Europe Member States, Council of Europe F-67075 Strasbourg Cedex, 2009.



نمودار آماری نرخ خام طلاق در ترکیه در مقایسه با کشورهای دیگر

منابع

۱. داود رضی، رابطه دین، دولت و توسعه سیاسی، مطالعه تاریخی ایران و ترکیه، مجله ادبیات و علوم انسانی دانشگاه فردوسی مشهد، بهار و تابستان ۱۳۸۸، صص ۱۵۴-۱۵۵.
۲. ساروخانی، باقر، روش‌های تحقیق در علوم اجتماعی، تهران، پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی، ۱۳۸۳، چاپ هفتم، جلد ۱، ص ۲۵۶.
۳. سید حسین صفایی، اسد الله امامی، مختصر حقوق خانواده، نشر میزان، چاپ سی و ششم، ۱۳۹۲.
۴. ناصر کاتوزیان، گامی بسوی عدالت (مجموعه مقالات)، جلد اول، تهران، نشر میزان، ۱۳۸۷.
۵. قانون اساسی ایتالیا (۱۹۴۷).
۶. قانون اساسی آلمان (۱۹۴۹).
6. Civil code of Turkey (2002).
7. Susan B. Boyd and Helen Rhoades (edited), Law and families, Ashgate, 2006.
8. Am. Soc'y Int'l L, "International Law Pertaining to Families and Children," Benchbook on International Law § III.B (Diane Marie Amann ed., 2014).
9. Aziz Serkan Arslan, "The Family Courts and Trial Procedure in Turkish Law", Law & Justice Review, Volume: 1, Issue: 1, September 2010.
10. Gulce Tarhan, Roots of the Headscarf Debate: Laicism and Secularism in France and Turkey, Journal of Political Inquiry, No.4, 2011.
11. Gurses, Dila. "President Erdogan and the Gender Repercussions of Political Islam", Open Democracy (Aug 20, 2014).
12. Hurriyet Daily News (March 28, 2010). "Inequalities are deep and women suffer the most."
13. Inter-Parliamentary Union. "Women in National Parliaments", Available at: ipu.org
14. Kuznel, R., The Connection Between the Family Cycle and Divorce Rate: An Analysis based on European Data, Journal of Marriage and the Family, 36, 2, 1974, pp. 379-387
15. Margaret Fitzpatrick, Fauzia Rahman and Huseyin Esen, Globalization and Education Policy in Turkey: Education of Women, Religious Education and Higher Education, University of Illinois at Urbana-Champaign, 2009.
16. Martha Minow, Beyond State Intervention in the Family: For Baby Jane Doe, University of Michigan Journal of Law Reform, University of Michigan Journal of Law Reform, 1985,
17. Mehmet Erdem, "Struggling with Domestic Violence: The Turkish Model", International Journal of Humanities and Social Science, Vol. 2 No. 24 [Special Issue - December 2012].
18. Serap Kavas and Arland Thornton, "Adjustment and Hybridity in Turkish Family Change: Perspectives from Developmental Idealism", Journal of Family History, Vol. 38, 2013.
19. Sevim Atilla Demir, Attitudes toward Concepts of Marriage and Divorce in Turkey, American International Journal of Contemporary Research, Vol. 3 No. 12; December 2013.
20. Tuğba Bozçağa, Women, and the Welfare State; Regime of Turkey, Turkish Policy Quarterly, Vol. 11, No. 4, 2012.

21. Yurtkuran-Demirkan, S., Ersoz, A. G., Sen, R.B., Ertekin, E., Sezgin, O., Turgut, A. M., Sehitoglu, N. (2009). Divorce Reasons Survey. T. R. Prime Ministry Directorate General of Family and Social Research Series, 140, Ankara.
22. Zuhäl Yeffilyurt Gündüz, the Women's Movement in Turkey: From Tanzimat towards European Union Membership, Perceptions, autumn 2004.
23. A/CONF.166/9, "World Summit for Social Development", 1995.
24. E/2006/NGO/8, Statement submitted by the World Family Organization, a non-governmental organization in consultative status with the Economic and Social Council, 2006.
25. Family Policy in Council of Europe Member States, Two expert reports commissioned by the Committee of Experts on Social Policy for Families and Children, 2009, available at: <http://www.leavenetwork.org>, last visited: 23 April 2015.
26. First European Quality of Life Survey, Families, Work and social networks, Dublin: European Foundation for the Improvement of Living and Working Conditions, 2005
27. Human Rights Watch, "Turkey: Backwards Step for Human Rights." (June 10, 2011).
28. Meltem Müftüleri-Baç, Policy Department C: Citizens' Rights and Constitutional Affairs: Gender Equality, European Parliament, Directorate General for Internal Policies, available at: <http://www.europarl.europa.eu/studies>, last visited: 23 April 2015.
29. The Tenth Development Plan 2014-2018, English translation of the original document.
30. Turkish Demographic and Health Survey (TDHS), 2008 & Demographic Transition in Turkey, available at: <http://www.hips.hacettepe.edu.tr>
31. Turkish Statistical Institute (Turkstat), (2010) Marriage&Divorce Statistics 2009, available at: <http://www.tuik.gov.tr>
32. UNDP. "Women's Empowerment and Gender Equality." Available at tr.undp.org
33. World Bank Report (2003).

Archive of SID